

تحقیق درباره مبای فضاهای شهری رفتارگرا و دموکراتیک؛

یکپارچه‌سازی نظریات

An Inquiry Concerning the Principles of Behavioral and Democratic
Urban Spaces; Integrating the Theoriesمانی ستارزاد فتحی^۱، مجید زارعی^۲ (نویسنده مسئول)، رحیم هاشم‌پور^۳

تاریخ ارسال:	تاریخ بازنگری:	تاریخ پذیرش:	تاریخ انتشار آنلاین:
۱۳۹۷/۰۶/۳۱	۱۳۹۷/۱۱/۱۴	۱۳۹۸/۰۲/۲۹	۱۳۹۸/۱۱/۳۰

چکیده

امروزه بهتر است تا فرایند طراحی بر اساس رفتار استفاده‌کنندگان از فضاهای شهری، سمت و سویی دموکراتیک و انسانی به خود بگیرد تا رفتارهای گوناگون انسان‌ها، بتوانند به‌نحو غیر جبری و غیرمغرضانه لحاظ شوند. این در حالی است که بی‌توجهی به ارزش‌های دموکراتیک و رفتاری در فرایندهای طراحی شهری کشورمان، همچون معضلی غیر قابل تحمل، ثمره‌ای جز تقلیل و اضمحلال کیفیت‌های محیطی و اجتماعی فضاهای شهری ندارد. در چنین موردی، دیگر دست‌اندرکاران شهری نیز قافیه را می‌بازند و تبعاً شهرهایمان خاصیت‌های فضایی، مکانی و انسانی خود را از دست داده و شهروندان مجبور به انجام مکرر طیفی از رفتارهای تکراری و جبری و پوپولیستی می‌شوند. بدین سبب، این مقاله بر آن است تا با پیروی از نظریات مربوطه، به یک چهارچوب منطقی و پاسخده دست یابد که بلکه شامل شاخصه‌ها و معیارهای غایب نظام شهرسازی حال حاضر کشورمان باشد و بتواند به منظور طراحی دموکراتیک فضاهای شهری رفتارگرا به کار آید. در همین راستا، در ابتدا با کنکاش نظریات اندیشمندان، شاخصه‌های فضاهای شهری رفتارگرا تبیین شده و سپس معیارهای کلی لازم برای نیل به طراحی شهری دموکراتیک، به تفکیک دو بُعد محیطی (کیفیت‌های پاسخده) و اجتماعی (حق به شهر و مشارکت عمومی) ارائه گشته است. همچنین نهایتاً با ادغام این دو موضوع، مسیر «طراحی دموکراتیک فضاهای شهری رفتارگرا» ایضاح شده است. در واقع هم‌نهایی، تسهیل روند خلق آن دسته از فضاهای شهری‌ای است که بر پایه حق انتخاب و آزادی عمل و همچنین تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری همه‌گانی مترتب می‌شوند و به‌منظور تجلی طیف وسیعی از رفتارها و دموکراسی شهری در وضعیت حال حاضر کشورمان شدیداً لازم هستند.

واژه‌های کلیدی:

فضاهای شهری، رفتارهای غیرجبری، دموکراسی، طراحی مردم‌مدار، معیارهای کیفی.

۱. کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران. m.sattarzad@edu.ikiu.ac.ir
۲. دانشیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران. m.zarei@arc.ikiu.ac.ir
۳. دانشیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران. hashempour@arc.ikiu.ac.ir

* این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد گرایش طراحی شهری با عنوان «طراحی فضاهای شهری با رویکرد رفتارگرایی در راستای نیل به مکان‌های شهری دموکراتیک؛ نمونه مورد مطالعه خیابان لاله‌زار جنوبی تهران» است که به راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) در مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۳۰ دفاع شده است.

۱- مقدمه

اگر در ممالک غربی، به دوران قبل و بعد از دو جنگ جهانی بنگریم، می‌توانیم آشکارا شاهد بی‌اعتنایی به رفتار استفاده‌کنندگان فضاهای شهری و پایمال شدن ارزش‌های انسانی و دموکراتیک باشیم. در این دوران به موجب وقوع و سپس گذار از این دو رویداد دلخراش و تلاش برای احیای شهرهای تخریب شده، بر کمیت بیش از کیفیت تأکید می‌شد (کمیت‌گرایی صرف، خلاقیت را از بین می‌برد) و چیرگی توده بر فضا و نقض نیازهای روحی- روانی مشهودتر بود (بحرینی، ۱۳۷۵؛ پاکزاد، ۱۳۸۶ و ۱۳۹۰). بیزاری از این موقعیت، موجب نقد و جوه خشک مدرنیسم و برجستگی جوانب مشارکتی و اختیاری موضوع رفتار شد. با شکست کمیت در مقابل کیفیت، ناکارآمدی گرایش‌های کلیت‌گرا و جبری اثبات‌گشت و در دهه ۱۹۷۰، دوران کیفیت‌گرایی در خور امکان‌دهندگی به تطبیق فضاهای شهری با نیازها و رفتارهای انسانی شروع شد^۱ (لنگ، ۱۳۹۵؛ رستم‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹).

امروزه بسیاری از سیاست‌های شهری کشورهای توسعه‌یافته^۲، انسان را به‌مثابه «دنباله‌ای از محیط شهری» برمی‌شمارند و اهمیت طراحی بر اساس رفتار، هم‌پوشانی منظمی را با پیش‌نیازهای دموکراتیک شامل می‌شود تا تحقق ارزش‌های اجتماعی در مقیاس شهر حتمی‌تر گردد (Çelebican, 2011; Söderholm, 2008; Nielsen, 2013).

این در حالی است که جبریت اجتماعی- فرهنگی منبعث از نظام سرمایه‌داری محدود، سنت‌های بازدارنده و منافع شخصی حاکم بر کشورهای در حال توسعه^۳، موجب می‌شوند تا فضاهای شهری این‌گونه از کشورها، ماهیت «عمومی و مدنی»^۴ خود را از دست بدهند (در واقع همان ارزش‌ها و نیازهای دموکراتیک و همگانی انسان‌ها)؛ بنابراین، محیط شهری، دیگر طیف گسترده‌ای از استفاده‌کنندگان و همچنین تعاملات جمعی و رفتارهای متنوع وابسته به آن‌ها را تقبل نمی‌کند و لذا مفهوم «آزادی در عمل و رفتار»^۵ تباه می‌شود. به تبع این‌گونه از کاستی‌ها، مردم نیز انگیزه‌ای برای حضور و فعالیت در فضا نداشته و تنها بر اساس جبریت حاکم بر نظام شهری عمل می‌کنند.

اکنون نیاز است تا چند صباحی درباره اقدامات شهری کشورمان بحث کنیم. خوشبینی در مجموع یک اصل اخلاقی است و لذا فرض خیرخواهانه بودن نیت شهرسازان کشورمان واجب می‌نماید؛ اما بسیاری از منابع علمی حاکی از آنند که علی‌رغم درون‌مایه کثرت‌گرا، عادلانه، مشارکتی و اجتماعی اکثریت برنامه‌های جامع و استراتژیک شهری کشور ایران،

بعد اجرا شده آن‌ها غیر منعطف، تمرکزگرا و غیر اجتماعی است و ناقض اصل و اساس فضاهای شهری بوده و درخور ارزش‌های رفتاری نمی‌باشند (Maghsoodi Tilaki et al., 2014؛ پیرزاده، ۱۳۸۷). مثلاً در اکثر مواقع، کاربری‌ها و پهنه‌های پیشنهادی طرح‌های جامع تهیه شده برای شهرهای کشورمان با دقت لازم تنظیم نمی‌شوند و پس از مرحله تصویب طرح‌های تفصیلی مربوطه، مغایرت‌های فراوانی بین واقعیت‌های اجرایی و طرح‌های جامع به وجود می‌آید و به تبع همین موضوع، از بسیاری از مسائل ضروری بالاجبار چشم‌پوشی می‌شود.

در واقعیت، بسیاری از پروژه‌های مسکن کشورمان (همچون مسکن مهر)، در حومه و به صورت غیر منعطف و غیر مشارکتی اجرا می‌شوند و شامل تنوع فعالیتی و فضاهای شهری واجد کیفیت نیستند (Barzegaran and Daroudi, 2015)؛ مانند مسکن عمومی در حال ساخت در شهر جدید پردیس، پردیس، هشتگرد و غیره که تنها بستری را برای سوء استفاده تعاونی‌های سازنده و کارفرمایان و پیمانکاران فراهم می‌آورند (مانند فروش عرصه مسکن مهر که جز سوء استفاده مالی از شهروندان، چیز دیگری را به همراه نمی‌آورد) و پس از اتمام مراحل ساخت و ساز، مشکلات حقوقی فراوانی در آن‌ها رخ می‌دهد و بسیاری از آن‌ها به سرعت فرسوده می‌شوند و به مرحله اخذ پایان کار نیز نمی‌رسند. احداث پل‌های ارتباطی عظیم و خیابان‌های عریض و مستقیم اتومبیل‌رو (همچون پروژه صدر و بزرگراه نواب) نیز نمونه‌های دیگری از طرح‌های ناکارآمد شهری کشورمان محسوب می‌شوند که بدون توجه به بافت اجتماعی و انسانی موجود و همین‌طور نظرات و نیازهای مردم محلی علم می‌شوند (کامروا، ۱۳۹۲؛ Bahrainy and Aminzadeh, 2007). همین‌طور، تخریب گره‌های اجتماعی و زوال عملکرد عابران پیاده (مانند زیرگذر چهارراه ولیعصر)، موجب پیدایش زمینه‌های اجتماعی فاقد ارزش شده و کیفیت نفوذپذیری عمومی و دسترسی به فضاهای شهری کشورمان را گرفتار معضلی عمیق کرده است (توکلی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۴؛ شمعی و همکاران، ۱۳۹۵).

این مسائل باعث تنزل ارزش‌های رفتاری و جایگاه دموکراتیک انسان‌ها می‌گردند و نتیجتاً صورت و محتوای بسیاری از کلان شهرهای کشورمان به مجموعه‌هایی از جمعیت صرف و فضاهای بی‌کیفیت و ساختمان‌های متراکم دارای ماهیت ماشینی تغییر شکل می‌دهد. پروژه‌های شهری کلان و پُرهزینه، نشانه عظمت و شکوه شهری نیستند و به قول براتی (۱۳۸۵)، فرایندهای شهری ناقص کیفیت‌های

برای برجسته کردن و بیان نظام‌مند الگوها و نکاتی است که در مجموعه‌ای از متن‌ها پراکنده شده‌اند؛ لذا در گردآوری اطلاعات، از روش مطالعهٔ منظم اسناد و مدارک کتابخانه‌ای پیروی شده است. لازم به ذکر است که یافته‌های تحقیق، در قالبی از جداول تطبیقی و اشکال ارائه می‌شود. همچنین ساختار مطالعهٔ حاضر در سه بخش خلاصه می‌شود: (۱) بررسی ادبیات موضوع و مفاهیم کلیدی؛ (۲) واریسی و تحلیل مطالعات رفتاری و دموکراسی شهری به منظور استخراج شاخصه‌ها و معیارهای مورد نظر؛ (۳) ادغام موارد مستخرج از مطالعات رفتاری و دموکراتیک شهری برای تدوین چهارچوب طراحی دموکراتیک فضاهای شهری رفتارگرا.

۳- مروری بر ادبیات موضوع و مفاهیم کلیدی

۳-۱- چستی فضای شهری

یک فضای شهری، طیفی از خیابان‌ها، میادین و غیره را در بر می‌گیرد و تجلی‌گاه عرصهٔ جمعی پاس‌ساخته به نیازهای مختلف فیزیکی و اجتماعی انسان، مانند پیاده‌روی، آرامش، مشارکت فعال و غیره محسوب می‌شود (Carr et al., 1992؛ حبیبی، ۱۳۷۸)؛ فضایی که «... توسط افراد و یا سازمان‌های خصوصی کنترل نمی‌شود و از این رو برای عموم است» (Madanipour, 1996: 144-145). اندیشمندان بسیاری از قبیل راب کریر^۱، مفهوم فضای شهری را اساس ساختار کالبدی شهر (کریر، ۱۳۸۴) و برخی دیگر نیز مانند آنتونی گیدنز^{۱۱}، بستر اجتماعی شهر (که می‌تواند ابعاد سیاسی و فرهنگی را نیز در بر گیرد) قلمداد کرده‌اند (گیدنز، ۱۳۸۴). در واقع ابعاد اجتماعی و فیزیکی یک فضای شهری، رابطهٔ پویایی با یکدیگر دارند و لذا فضای شهری، متشکل از دو فضای اجتماعی و فیزیکی^{۱۲} است (Madanipour, 1996) (تصویر ۱). بنابراین، در روند طراحی فضاهای شهری همواره بایستی به گونه‌ای یکپارچه، بر دو بُعد محیطی (فضای فیزیکی) و اجتماعی (فضای اجتماعی) آن‌ها تأکید شود.

انسانی و بی‌اعتنا به عرصه‌های مختلف و دوران‌ساز وابسته به پیشرفت‌های جهانی، در حقیقت باعث می‌شوند تا شهرهای کشورمان به «ناشهر»^۶ بدل شوند و رخوت و بی‌رغبتی اجتماعی به بار آید. با این همه نمی‌توان از جملهٔ زیبای جوزپ راموندا^۷ (۲۰۰۳) غافل شد که می‌گوید، «شهر عاملی است برای استقلال فردی، فضایی برای آزادی، مکانی برای مفارقت کثرت‌گرایانهٔ گرایش‌های مذهبی مختلف و البته نمودی از تکسر فرهنگ که ممکن است به واسطهٔ اضمحلال تفکر منطقی عارض شود».

ما معتقدیم که این ناشهرها، نمونه‌هایی هستند که علی‌رغم میل باطنی‌مان، گویی می‌خواهند به‌زور چیزی به ما بفروشند و بر خلاف تنوع غیر سیستماتیک موجود در آن‌ها، همه چیزشان تکراری است. بر این اساس، مطالعهٔ حاضر می‌کوشد تا حد امکان با بررسی و یکپارچه‌سازی نظریات مربوطه، مسیر پرهیز از «تمامیت‌خواهی»^۸ و «نخبه‌گرایی»^۹ در امور شهری کشورمان و کاربست ارزش‌های رفتاری و مفاهیم دموکراتیک در روند طراحی فضاهای شهری را روشن سازد؛ اینکه اصلی‌ترین و جامع‌ترین شاخصه‌های لازم برای تحقق بُعد رفتاری فضاهای شهری چه‌ها هستند؟ معیارهای لازم برای ظهور بُعد انسانی شهرهایمان و تجلی فرایند کلی طراحی شهری دموکراتیک شامل چه مواردی می‌باشد؟ و نهایتاً اگر این معیارها بتوانند جمع‌بندی شوند، پس چهارچوب نظری حاصل از انطباق شاخصه‌های فضاهای شهری رفتارگرا و معیارهای طراحی شهری دموکراتیک چگونه می‌تواند تدوین گردد تا ضمن پاسخ‌دهی به انواع نیازها و فعالیت‌های همه‌شمول، برای بروز طیف گسترده‌ای از رفتارهای دموکراتیک شهری نیز زمینه‌سازی شود.

۲- روش و رویکرد تحقیق

این مقاله دارای ماهیت کیفی و از نوع توصیفی-تحلیلی و روش تحقیق آن از نوع تحلیل محتوا و مقایسه‌ای است. رویکرد تحلیلی این مقاله به‌صورت غیرمداخله‌ای بوده و تنها



Fig. 1 Two main dimensions of urban space

ارزش یک شهر مسلماً در خلاقیت فردی و جمعی ساکنان آن، یا به قول لوتیس آلبرشتس^{۱۳} در معرفت توده‌ها^{۱۴}، نهفته است و این خلاقیت از طریق فرصت‌هایی که فضاهای شهری فراهم می‌کنند، شکوفا می‌شود (Short, 1989; Albrechts, 2008)؛

۲-۳- اهمیت و نقش فضای شهری

اهمیت یک فضای شهری به عنوان «بخش غیر قابل تملک شهر»، به دلیل ارتباطی است که میان دو بُعد کالبدی و «تعاملی-اجتماعی» یک شهر برقرار می‌نماید.

بر رفتار مطرح می‌کند. همچنین با پیش کشیدن نظریهٔ امکان‌دهندگی محیطی^{۱۸}، محیط را بستری برای ایجاد امکان و یا محدودیت برای بروز رفتار قلمداد می‌کند و نهایتاً با ارائهٔ نظریهٔ احتمال‌دهندگی محیطی^{۱۹} نیز اظهار می‌دارد که محیط در تبعیت از شرایط خاص کالبدی، احتمال بروز برخی از رفتارها را نسبت به دیگر رفتارها افزایش می‌دهد (Rapoport, 1977). البته بر خلاف دیدگاه تقریباً روانشناسانهٔ راپاپورت، بایستی آگاه بود که محیط، ادامهٔ هستی و شخصیت انسان‌ها است و خود افراد عامل ایجاد و تغییر محیطاند و نه پذیرندهٔ صرف تأثیرات محیطی. پس در حقیقت، بخش‌پذیری و اجتماعی محیط و فضا و همچنین فعالیت و رفتار است که در این میان اهمیت ویژه می‌یابد.

۳-۴- مفهوم دموکراسی

مختصراً می‌توان ابزار داشت که دموکراسی راه رسیدن به یک مدینهٔ فاضله نیست، بلکه به مفهوم حفظ قدرت مردم و استفاده از آن در قالبی از قوانین عادلانه است (پوپر، ۱۳۸۰؛ Purcell, 2016). بنابراین، دموکراسی لازمهٔ تحکیم جایگاه مردم در تعیین سرنوشت خود به حساب می‌آید. ماهیت این مفهوم به معنای حاکمیت مطلق مردم، و یا مردم بر مردم نیست، بلکه شامل طیفی از انواع باورها و ایدئولوژی‌هایی است که به صورت مسالمت‌آمیز در جوار یکدیگر عمل می‌کنند (پوپر، ۱۳۸۰). پس دموکراسی، یک قرارداد غیر قابل تغییر نیست، بلکه نقطهٔ اشتراک بین‌انسانی است که بایستی امروزه تحت لوای هنر گفتمان و یا کنش و عقلانیت ارتباطی^{۲۰} که هابرماس^{۲۱} از آن یاد می‌کند، شکل گرفته و تعریف شود (هابرماس، ۱۳۹۴). در واقع انسان خردگرا، خرد خود را مدیون دیگران است. رویکردی که همواره به دنبال بیان امر مطلق باشد، خطا آفرین است، لذا دوری از این خطا و سیاست‌گذاری صحیح، نیازمند فرایندی درخور گفتمان و مباحثهٔ انتقادی است؛ فرایندی که در آن «اگرچه تنها عده‌ای اندک ممکن است مبدع سیاستی باشند، ما همه می‌توانیم دربارهٔ آن داوری کنیم» (پوپر، ۱۳۸۰: ۲۵).

۳-۵- شهر به مثابه بستری برای تحقق دموکراسی

دموکراسی در خلوت افراد مفهومی ندارد؛ بدین معنا که «... واحد دموکراسی فرد نیست، بلکه گروه است» (بشیریه، ۱۳۹۲: ۵۱). تحقق دموکراسی، به عنوان یک قرارداد بین‌انسانی، نیازمند بستری شامل گروه‌های مردمی است. بنابراین، شهر می‌تواند بهترین بستر برای تحقق این موضوع باشد (King, 2004)، چراکه انواع تعاملات و برخوردها و

گودسل، ۱۳۸۶). مهم‌ترین نقش یک فضای شهری، زمینه‌سازی برای تحرک و ارتباط و مداخله است (Mdanipour, 1999)؛ بستری که فرصت را برای مشارکت در استفاده و خلق دو بُعد فیزیکی و اجتماعی شهر مهیا می‌سازد (Engwicht, 1999; Aghostin Sangar, 2007).

نقش بُعد فیزیکی یک فضای شهری، حیطه‌بندی کالبدی صحنه‌ای است که بتواند علی‌رغم فراهم کردن کیفیت‌های محیطی لازم، پذیرای کنش‌های متقابل باشد و امکان تمرکز بر خوردهای اجتماعی متعامل را به هر نحوی مهیا سازد (توسلی، ۱۳۶۹). همچنین بُعد اجتماعی یک فضای شهری نیز بایستی در توسعهٔ مواردی از قبیل تبادل اطلاعات، گفتمان عمومی، آگاهی اجتماعی، عملکردهای یکپارچهٔ مردمی، برخوردهای متعامل و رفتارهای اخلاقی مؤثر واقع شود (بختیار نصرآبادی و همکاران، ۱۳۹۰-Crowhurst-Lennard and Lennard, 1987, 1995). لذا چنین فضایی می‌تواند بستری را برای زندگی همگانی (نگاه جهانی نسبت به شهر)، حضورپذیری و تجربهٔ محیط (حرکت و مکث)، برخورد اقشار مختلف جامعه (تبادل ایده‌ها)، نمایش نمادها و بازخوردهای جامعه (مراسم و یا تظاهرات) و به طور کلی فعالیت‌های مختلف شهری فراهم آورد (Whyte, 1988; Lofland, 1998). بنابراین، پُر واضح است که علاوه بر نیازهای کالبدی فضاهای شهری، روند توسعهٔ اجتماعی آن‌ها نیز بایستی به دور از تمایلات انحصارطلبانه و بر اساس انواع روابط اجتماعی و تنوع رفتاری مغتنم شمرده شود (Vernez-Moudon, 1991; Southworth and Ben-Joseph, 1997; Langdon, 1997; Frank et al., 2003).

۳-۳- رفتار و فضای شهری

کلیت یک رفتار می‌تواند زیرمجموعه‌ای از یک فعالیت خاص به‌شمار آید و برآیندی بالفعل از انگیزه‌ها، نیازها، قابلیت‌های محیطی و تصویر ذهنی انسان (پاکزاد، ۱۳۸۵). حال بنابر سه گروه فعالیت‌های اجباری، اختیاری و اجتماعی^{۱۵}، رفتارهای بروز یافته نیز می‌توانند انواع مختلفی به خود بگیرند (گل، ۱۳۸۷). فضای شهری بستری است که رفتارهای انسان در آن نمایان می‌شود (بحرینی، ۱۳۷۵؛ لنگ، ۱۳۹۵)؛ به طوری که در آن «... افراد و گروه‌های متجانس شهروندان بنا به نیاز و یا هدفی که دارند، رفتارهای گوناگونی را از خود بروز می‌دهند» (خطیبی، ۱۳۹۲: ۶۷). به بیان آموس راپاپورت^{۱۶}، ارتباط رفتار و محیط در سه گونهٔ نظری طبقه‌بندی می‌شود که فضاهای شهری نیز از آن مستثنی نیستند. در ابتدا، وی نظریهٔ جبرگرایی محیطی^{۱۷} را بر پایهٔ تسلط مطلق محیط کالبدی

۳-۶- نحوه برخورد دموکراتیک با اقدامات شهری

در دولت‌های دموکراتیک، دولت در نقش یک خدمت‌گزار عمومی می‌کوشد تا ضرورت‌های عملکردی را بنابر درخواست عموم در اولویت قرار دهد. در حالی که در دولت‌های غیر دموکراتیک، همواره به دلیل تمرکز قدرت، توان ایجاد تغییرات بزرگ وجود دارد و کالبد شهر، عرصه ظهور اقتدارطلبی‌هایی می‌شود که فضا را تحت تأثیر عقاید حاکمیت به مصرف بنا رسانده و امکان حضور جمعی را حداقل می‌کند. لذا فارغ از جوانب مثبت مفهوم اصالت فرد، فقط فضایی در مقیاس شهر اهمیت نمود می‌یابد که بتواند فضایی برای همگان باشد؛ فضایی مبتنی بر «ما» و نه «من»^{۲۷}. ما در دموکراسی شهری، به دنبال حفظ حقوق اقلیت‌ها هستیم. حقوقی که هم در بُعد محیطی-فیزیکی و هم در بُعد اجتماعی شهر بایستی مورد توجه قرار گیرد و جنبه‌های اخلاقی به مانند اختیار و استقلال و شخصیت شهروندی را تقویت نماید.

امروزه به‌خاطر اهمیت مفهوم دموکراسی، مسیری برای اندیشمندان مختلف فراهم شده تا به نسبت شرایط زمانی و رویکرد فلسفی و خوانش خاص خود، نگرشی دموکراتیک نوینی را مطرح سازند؛ بنابراین، نیاز به آزادی از یک سو و نیاز به بهره‌مندی از آن از سوی دیگر، موجب می‌شود تا مفهوم دموکراسی در بسیاری از گرایش‌های شهری از قبیل طراحی شهری، بسط داده شود. بعلاوه، طراحی فضای شهری به عنوان اصلی‌ترین وظیفه حرفه طراحی شهری، بایستی بر دو بُعد اجتماعی و محیطی بپردازد و صلاح بر این است تا گرایش‌های وابسته به آن از قبیل طراحی شهری دموکراتیک نیز بر این اساس مورد کند و کاو قرار گیرند (تصویر ۲).

ارتباطات انسانی را در قالبی از گروه‌های مردمی در بر می‌گیرد (Wirth, 1938). به‌طور مشخص، دموکراسی به عنوان یک مزیت بديهی شده اجتماعی، می‌تواند جامعه شهری را به سطحی بالاتر از امر مطلوب انسانی ارتقاء دهد (Sennett, 1998; King, 2004). مثلاً، می‌توان از آگورا به عنوان اولین نمونه فضای باز عمومی در یونان باستان نام برد که در آن عقاید مردم سالارانه متضاد، در کنار یکدیگر در قالبی از دموکراسی مستقیم برخورد داشتند (کریمیان و موسوی‌نیا، ۱۳۹۲). به مرور زمان، با گذار از دموکراسی مستقیم و ورود به دموکراسی غیر مستقیم^{۲۲}، مفاهیم بسیاری به مانند مکان سوم^{۲۳} (Oldenburg, 1999)، قلمرو عمومی^{۲۴} (Lofland, 1998)، عرصه عمومی^{۲۵} (Habermas, 1989)، و قلمرو اجتماعی^{۲۶} (Mitchell, 2003)، برای تعیین جنس و نوع فضاهای دموکراتیک شهری مطرح شدند.

البته نباید فراموش شود که دموکراسی شهری، تنها مسائل اجتماعی را در بر نمی‌گیرد. در واقع بایستی در روند طراحی، نه تنها ساخت مفهومی ایده عمل اجتماعی مهیا شود، بلکه لازم است تا بُعد کالبدی و محیطی قابل لمس نیز به‌گونه‌ای طراحی گردد تا عرصه‌ای را برای عمل اجتماعی فراهم کند (گودسل، ۱۳۸۶; Madanipour, 2003). همینطور برای برطرف کردن اختلافات و تناقضات خصوصی و عمومی و سپس خلق زندگی شهری همه‌شمول و دموکراتیک، نیازی به تغییرات اساسی در نظام سیاسی و اجتماعی نیست، بلکه ایجاد محلی در خور ارتباطات آزاد (مانند نهادهای مردمی و یا فضاهای باز شهری)، به سادگی می‌تواند کمک کند تا مردم مشکلاتشان را در بین خودشان حل کنند (Berman, 1986: 476).



Fig. 2 Two main dimensions of democratic urban design

۱۳۸۰). همین‌طور، شالوده اصلی رفتارگرایی^{۳۰} (به عنوان اقدامی برای پیوند تجربه و احساس) را می‌توان در اندیشه فیلسوفان تجربه‌گرای قرن ۱۷ و ۱۸، و همچنین روانشناسان قرن ۱۹ جستجو کرد (کدیور، ۱۳۷۹; Magee, 2005). آن‌ها معتقد بودند که معرفت واقعی از راه حواس حاصل می‌شود و ادراک محیط پیرامون، تنها وسیله ارتباط انسان با واقعیت‌ها و جهانی است که او را در بر گرفته (پارسا، ۱۳۷۴). به مرور

۴- مطالعات رفتاری در گرایش‌های شهری؛ استخراج شاخصه‌های فضاهای شهری رفتارگرا^{۲۸}

۴-۱- بررسی اجمالی شکل‌گیری مطالعات رفتاری در فلسفه، روانشناسی و شهرسازی

از نقطه نظر تاریخی، مکتب تداعی‌گرایی^{۲۹} تقریباً نخستین نگرشی بود که رفتارگرایی را به ساده‌ترین و اولیه‌ترین فرم ممکن در اظهارات افلاطون و ارسطو بنیان نهاد (شعاری نژاد،

زمان، رویکرد رفتارگرایی مورد استقبال شدید روانشناسان قرار گرفت و مسائلی از قبیل شرطی‌سازی عامل رفتار و شکل‌دهی به رفتار توسط این اشخاص مورد بحث واقع شد. اما دیری نپایید که در قرن ۲۰، این نوع از نگرش، به سمت مطالعه رفتارهای طبیعی و هشیار و خالص انسانی در بستری به دور از تغییرات و عوامل جبری و شرطی تغییر جهت داد. سپس در گذر زمان و در اواسط قرن ۲۰، رویکرد رفتارگرایی بر بسیاری از علوم همچون جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و غیره تأثیر عمده‌ای گذاشت. این تأثیر در طول زمان رشته‌های دیگری از قبیل معماری و شهرسازی را نیز بی‌بهره نگذاشت و شناخت و طراحی بر اساس رفتار انسان در محیط‌های ذی‌ربط مورد تأکید قرار گرفت.

۴-۲- بررسی و واکاوی نظریات

در این بخش علاوه بر تقسیم‌بندی زمانی نظریات، سعی شده تا با معرفی اصول و نکات کلیدی آن‌ها در سه جدول (۱) و (۲) و (۳)، پرده از ابهام این موضوع وسیع برداشته شود و سپس شاخصه‌های فضاهای شهری رفتارگرا از طریق جداول و گذراندن استخراج گردد. البته هستند بسیاری که در مقیاس کلان به پژوهش و آزمون و خطا در حوزه شهرسازی سلامت و روان پرداخته‌اند اما ارتباط چندانی به مطالعه حاضر نداشته و از این رو از حوصله این بحث خارج می‌باشند. به همین دلیل از بررسی جزئی آن‌ها خودداری شده است. از این قبیل می‌توان به «اسکار نیومن»^{۳۱} و مفاهیمی از قبیل «امنیت»، «نظارت» و «احساس تعلق»؛ «اریکا/اشپیگل»^{۳۲} و «حس توطن»؛ و همچنین «الکساندر میچرلیخ»^{۳۳} و دو مفهوم «تعهد» و «روانگاه» اشاره نمود (پاکزاد، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰).

۴-۲-۱- دهه ۶۰ میلادی

در سال ۱۹۶۰، کوین لینچ با انتشار کتاب «سیمای شهر» موفق شد تا دریچه نوینی را بر روی مسائل ادراکی در گرایش‌های شهری بگشاید. تلاش وی بر این بود تا با مطرح کردن تعدادی محور عملکردی برای شکل فضایی و سیمای شهر، الگوهای رفتاری و ادراکی استفاده‌کنندگان را با کیفیت‌های فیزیکی- بصری شهر هماهنگ کند و در نهایت شهری خلق شود که به دید آید، به ذهن سپرده شود و سبب شادی خاطر گردد (لینچ، ۱۳۹۵). اندکی بعد، فیلیپ تیل، در سال ۱۹۶۱، روشی را با عنوان «اندازه‌گیری و شمارش فضا» ابداع نمود. وی بر این بود تا با منتظم کردن اشکال کالبدی درک شده توسط شخص در حال حرکت، زبان

مشترکی را برای طراحی بُعد رفتاری حرکت‌های عابران پیاده تدوین نماید. امروزه تلاش‌های وی به عنوان یکی از مهم‌ترین اقدامات در راستای تسهیل فعالیت‌های حرکتی شناخته می‌شود (بحرینی، ۱۳۹۱). سپس در سال ۱۹۶۴، داندل اپلیارد، یکی از نامی‌ترین پایه‌گذاران مطالعات بصری - رفتاری، کوشید تا با همکاری لینچ و می‌یر، در کتاب «دید از جاده» یکی از وسیع‌ترین مطالعات رفتاری را در محیط‌های شهری از دید عابر سواره انجام دهد. در این کتاب، در کنار تأکید بر نقش بزرگراه‌ها در روشن کردن ساختار یک شهر، حرکت آزادانه عابران پیاده نیز مورد توجه می‌باشد (Appleyard et al., 1964). در این میان، پژوهش دیگری بر اساس روش تعقیب، توسط وینکل و ساسانف در سال ۱۹۶۶ و از راه شبیه‌سازی در داخل ساختمان موزه تاریخ و صنعت سیاتل، برای تحلیل و پیش‌بینی رفتارهای حرکتی استفاده‌کنندگان از این فضا انجام شد؛ بن مایه این تلاش به نحوی تأکید بر دسترسی عابران پیاده است (Winkel and Sasanoff, 1966).

در سال ۱۹۶۶، ادوارد تی هال در کتاب «بُعد پنهان» به رفتار فضایی، ادراک انسان، فرهنگ، معماری، شهرسازی و پدیده‌های روانشناختی مربوطه می‌پردازد و بر روابط انسانی بی‌حد و مرز در قالبی از فضای شخصی و اجتماعی و درک انسان از این دو فضا تأکید می‌کند (Hall, 1966). در سال ۱۹۶۷، اروینگ گافمن از طریق مطالعه رفتار در فضاهای عمومی، سعی بر این داشت تا انسان‌ها را به یکدیگر نزدیک‌تر کرده و تمایلات اجتماعی را تقویت نماید. وی به میزان کثیری بر طراحی بر اساس رفتار تأکید می‌کند و اهمیت روابط و ارزش‌های اجتماعی و جمعی را خاطر نشان می‌سازد (بحرینی، ۱۳۷۵). دو سال بعد، در سال ۱۹۶۸، راجر بارکر نظریه پرداز روانشناسی محیطی، کوشید تا مفهوم قرارگاه‌های رفتاری و مواردی از قبیل قلمرو و ساختار محیط و استمرار فعالیت و بازه زمانی انجام فعالیت و غیره را تشریح نماید؛ از نظر او این قرارگاه‌ها به مثابه محلی‌هایی هستند که برای برخوردهای اجتماعی مشخص و انجام فعالیت‌ها و رفتارهای بخصوص به وجود می‌آیند (Barker, 1968). سپس در سال ۱۹۶۹، رابرت سومر کوشید تا چگونگی ارتباط افراد با فضای طراحی شده و نحوه تأثیر طراحی فضا بر رفتار افراد را مورد بررسی قرار دهد. وی رعایت امر مشارکت برای کاهش فاصله بین طراح و استفاده‌کننده را رمز موفقیت طراحی بر اساس رفتار می‌داند (Soomer, 1969).

Table 1: Behavioral theories and practices in urban development; the 60s

Code	Theorist	Year	Basis of the theory	Key points
A-1	Kevin Lynch	1960	The image of the city	Highlighting the perceptual matters; considering the elements of city image as the factors affecting behavioral patterns of users in urban spaces
A-2	Philip Thiel	1961	Measuring and counting the space	Catching and analyzing the multiple functions of urban spaces dedicated to low-speed pedestrian movements; highlighting the pedestrian dynamics
A-3	Appleyard, Lynch, and Myer	1964	The view from the road	Studying the urban highways; focusing on free pedestrian movement besides the motorized vehicles
A-4	Winkel and Sasanoff	1966	Studying the behavior through tracking method	Evaluating and estimating the behaviors of users of Seattle Museum; acknowledging the pedestrian dynamics and mobility as the most important and inseparable part of a building or space
A-5	Edward T. Hall	1966	The hidden dimension	Stressing the unlimited open-ended human relations in personal and social spaces, as well as human perception of these two spaces
A-6	Erving Goffman	1967	Investigating the behaviors in public spaces	Strengthening the social relations by bringing people together; accentuating the importance of public relations and societal values
A-7	Roger Barker	1968	Behavior settings	Explaining some concepts such as behavior settings, continuity of activity, the environmental territory and structure, the period of activity, and so forth; introducing the behavior settings as the places for crystallizing social interactions and doing specific behaviors and activities
A-8	Robert Soomer	1969	Personal space: the behavioral basis of design	Reducing the gap between designer and user through supporting the process of predevelopment participation as a way of reaching successful behavior-based designs

۴-۲-۲- دهه ۷۰ میلادی

در دهه ۷۰ میلادی، عرصه کاملاً جدیدی فراهم گشت تا هر چه بیشتر بر مطالعات رفتاری تأکید شود. بدین سان در معماری منظر، لارنس هالپرین سعی در ایجاد محیط‌های خلاق شهری داشت. وی با تمرکز بر شهر به عنوان عرصه تکاپو و فعالیت اجتماعی انسان‌ها، پویایی و تکاپوی زندگی شهری را وابسته به ساختار حرکتی آن می‌داند و در این میان، علاوه بر حرکت سواره، حرکت عابرین پیاده را نیز مغتنم می‌شمارد. وی به کرات به حذف خودروهای شخصی و ارتقاء کیفیت بی‌بدیل حرکت پیاده تأکید می‌کند. در همین دوران ملوین وبر با ارائه اثرش با عنوان «مکان شهری و حوزه شهری بی‌مکان»، جنبه‌های انسانی محیط‌های شهری را در مرکز توجه خود قرار می‌دهد و جبریت محیطی و بی‌هویتی را عوامل زوال روابط و همبستگی‌های اجتماعی شهر می‌داند (بحرینی، ۱۳۷۵). در حوزه مطالعات نظری، جان لنگ با انتشار کتابی تحت عنوان «طراحی برای رفتار انسان؛ معماری و علوم رفتاری» در سال ۱۹۷۴، تلاش کرد تا به کنکاش در رفتارگرایی شهری بپردازد. گرچه دیدگاه وی

منطبق بر روانشناسی محیطی است و طراحی برنامه‌ریزی شده از سوی متخصصان برای عامل رفتار را مغتنم می‌شمارد، اما در کلیت امر، با پرداختن به مشکلات اجتماعی و محیطی، به طرز مناسبی گرایش‌های شهری و معماری را بر اساس رفتار تئوریزه می‌کند (Lang, 1974).
بررسی‌های استوارت چین در سال ۱۹۷۴، باعث شد تا تنوع بی‌حد و مرز الگوهای فعالیتی جمعیت حاضر در فضاهای شهری، واضح‌تر از گذشته مشخص شود. وی با تأکید بر تنوع فعالیتی، علت این تنوع را در مسائل پیش از وقوع و در نیازها و ترجیحات انسانی می‌داند (Chapin, 1974). سپس اروین آلتمن، روانشناس اجتماعی، در سال ۱۹۷۵ با تأکید بر تفاوت‌ها و ارزش‌های منتج از تعاملات و رفتارهای اجتماعی، مفاهیمی از قبیل خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام را تشریح می‌کند که می‌توانند به عنوان مقیاس‌هایی برای بررسی رفتارهای ناشی از روابط و برخوردهای اجتماعی در نظر گرفته شوند (آلتمن، ۱۳۸۲). از سوی دیگر، آموس راپاپورت، یکی از پایه‌گذاران مطالعات رفتار محیطی، نیز با تأکید بر

قرارگاه‌های رفتاری و کثرت‌گرایی فرهنگی می‌پردازد و معتقد است که شهر، هنر مردم است و فضاهای آن بایستی تمامی کیفیت‌های حرکتی، تعاملی و فعالیت را در بر گیرد (Rapoport, 1977).

ارزش‌های انسانی، به تحلیل رابطه متقابل میان انسان و محیط می‌پردازد. او در سال ۱۹۷۷ در کتاب بسیار گسترده خود با نام «وجه انسانی شکل شهر»، به مباحث عمده‌ای از قبیل فرهنگ، ادراک، فعالیت، محیط،

Table 2: Behavioral theories and practices in urban development; the 70s

Code	Theorist	Year	Basis of the theory	Key points
B-1	Lawrence Halprin	Early 70's	The methods of creating creative environments	Considering the city as a context of dynamism and social human activities; emphasizing the free movement of pedestrians
B-2	Melvin Webber	Early 70's	The urban place and the non-place urban realm	Acknowledging the importance of public relations and social solidarity on an urban scale
B-3	Jon Lang	1974	Designing for human behavior: architecture and the behavioral sciences	Researching and theorizing on the behavior-based design of urban environment; remarking the social and environmental drawbacks as the main problems of behavioral sciences
B-4	Stuart Chapin	1974	Studying various types of human activities in the city considering the time-space scale	Stressing the importance of diverse activities in urban spaces, deriving from the people's needs and preferences
B-5	Irwin Altman	1974	Studying the social behaviors	Describing some social concepts, such as privacy, personal space, territory, and crowd, which can influence human behaviors; studying the differences and values related to social interactions
B-6	Amos Rapoport	1977	Human aspects of urban form	Honoring the relation between activities, environment, behavior settings, cultural pluralism, and pedestrian movement in urban surroundings; acknowledging urban spaces as the platforms for the actualization of urban movement, interaction, and activity

رفتاری در نظریه طراحی محیط پردازد. به بیان وی، قابلیت‌های الگوهای ویژه محیط و یا فضای ساخته شده، از چگونگی طرح آن، مواد و مصالح به کار رفته در ساخت آن و نحوه انتسابش به گروه‌های مردمی حاصل می‌شود و عملاً تنوع کالبدی و فعالیتی را مورد تأکید قرار می‌دهد (لنگ، ۱۳۹۵). همچنین تئوری‌های نظری یان گل، در راستای تبیین و شفاف‌سازی سه گروه عمده فعالیت‌های اجباری، اختیاری و اجتماعی در فضاهای شهری، باعث شد تا اهمیت رابطه بین کیفیت‌های محیطی و انواع فعالیت‌های شهری برجسته‌تر شود و ارزش تنوع فعالیتی در فضاهای شهری به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین اصول طراحی فضا، مورد تأکید قرار گیرد (گل، ۱۳۸۷).

در سال ۲۰۰۰، استفان کاپلان بیان کرد که می‌توان با تأکید بر آزادی حرکت عابر پیاده و همین‌طور مکث در فضاهای شهری، باعث تقویت و ایجاد حس مکان و در نتیجه خاطره‌انگیزی و بروز رفتارهای جمعی شد (Kaplan, 2000). در سال ۲۰۰۳، بینستوک و همکارانش با اتفاق نظر بر لزوم حضور مردم در فضاهای شهری، بیان کردند که فضاها بایستی در راستای تقویت حس و رفتار شهروندی - اجتماعی

۴-۲-۳- دهه ۸۰ میلادی تا به امروز

در دهه ۸۰ میلادی نیز از مطالعات رفتاری در امور شهری استقبال فراوان شد. در سال ۱۹۸۵، ویلیام وایت با انتشار کتاب «زندگی اجتماعی فضاهای شهری کوچک»، به بررسی فعالیت‌های مردم عادی در خیابان و یافتن وجود و یا عدم وجود نظمی خاص در رفتار آن‌ها پرداخت. وی در این کتاب سعی می‌کند تا از طریق شناخت الگوهای رفتاری موجود در فضا، فضاهای شهری را نقد کرده و نقش عواملی از قبیل تعاملات اجتماعی را در بهبود کیفیت‌های شهری برجسته‌تر نماید (Whyte, 1980). سپس در سال ۱۹۸۱، داندل اپلپارد با همکاری گرسون و لینتل، مسائل رفتاری را از طریق بررسی کیفیت‌های کالبدی و تأثیر آن‌ها در ایجاد خیابان‌های امن و زیست‌پذیر مورد مطالعه قرار داد. آن‌ها به طور مشخص عنصر خیابان را به‌مثابه محلی درخور آزادی حرکت پیاده، ایمنی و امنیت نسبی، و بستری برای ملاقات و تجمعات عمومی قلمداد می‌کنند (Appleyard et al., 1981). سپس جان لنگ با گردآوری اثرش با عنوان «آفرینش نظریه معماری» در سال ۱۹۸۷، تلاش کرد تا به مباحثی از قبیل محیط و رفتار انسان، الگوهای فعالیتی و همچنین نقش علوم

نوع روابطی را با هم‌نوعان خود برقرار می‌کنند. نقطهٔ تمرکز آن‌ها توجه بیش از حد به تنوع عملکردی و هم‌سازسازی فعالیت‌های پراکنده در محیط و فضاهای شهری در مقیاس انسانی می‌باشد (Lang and Moleski, 2010). همین‌طور در سال ۲۰۱۲، چوی و سرداری سیار کوشیدند تا نشان دهند که هرچه مناطق شهری از تنوع بالاتری برخوردار باشند، به همان میزان گسترهٔ فعالیت و رفتارهای حرکتی عابرین پیاده نیز متنوع‌تر و آزادانه‌تر خواهد بود که این امر در نهایت می‌تواند منجر به ارتقاء قابلیت حرکت در منطقه و حس اشتیاقی به بودن در فضا شود (Choi and Sardari Sayyar, 2012).

طراحی شوند (Bienstock et al., 2003). از سویی دیگر، ویکاس مهتا در سال ۲۰۰۶ در رسالهٔ دکتری خود، در جهت بررسی رابطهٔ بین محیط انسان ساخت و رفتارهای اجتماعی در خیابان، فعالیت‌های شهری را در سه دستهٔ فعالیت‌های ثابت و پایدار، فعالیت‌های طولانی، و فعالیت‌های اجتماعی تقسیم‌بندی کرد. وی تقویت کیفیت‌های فیزیکی، کیفیت‌های کاربری زمین و کیفیت‌های اجتماعی شهری را عوامل مؤثر و حمایت‌کنندهٔ این سه دسته از فعالیت می‌داند (Mehta, 2006). لنگ و مولسکی در سال ۲۰۱۰ با انتشار کتابی تحت عنوان «بازشناسی کارکردگرایی»، سعی کردند تا نشان دهند که مردم در محیط پیرامونشان، چگونه و چه

Table 3: Behavioral theories and practices in urban development; the 80s to the present

Code	Theorist	Year	Basis of the theory	Key points
C-1	William Whyte	1980	The social life of small urban spaces	Criticizing the urban spaces based on behavioral patterns within the space; proposing the reinforcement of social relations as a way of promoting the urban qualities
C-2	Appleyard, Gerson., and Lintell	1981	Livable streets	Considering the street as a place of public meetings and gatherings, which requires some qualities such as freedom, safety, and security for pedestrians
C-3	Jon Lang	1987	Creating architectural theory	Stressing some concepts, including the environment and human behaviors, activities and the environment, and the role of behavioral sciences in environmental design theory; emphasizing the diversity of activities in urban spaces and the environment
C-4	Ian Gehl	1987	Life between buildings	Introducing three major types of activities in urban spaces, namely necessary, optional, and social activities; honoring the diversity of activities and their vital roles in designing the urban spaces
C-5	Stephen Kaplan	2000	Environmentally responsive behaviors	Stressing the freedom of pedestrian movement and staying in the space as the main influential factors in creating social memories and collective behaviors
C-6	Bienstock, Demoranville and Smith	2003	Citizen behavior and urban qualities	Underlining the importance of public presence in urban spaces in order to strengthen citizenship and social behaviors
C-7	Vikas Mehta	2006	Analyzing the relation between the built environment and social behaviors	Investigating urban activities and the need for their diversification; considering the physical qualities, land use qualities, and social qualities as the factors affecting and supporting urban activities
C-8	Lang and Moleski	2010	Functionalism revisited; behavioral sciences in architecture and urban design	Studying the necessity of variety in activity and matching scattered activities in urban spaces on a human scale
C-9	Choi and Sardari sayyar	2012	The urban diversity and pedestrian behaviors	Highlighting the importance of diversity in the environment and activities in urban spaces as the factors strengthening the urban behaviors and encouraging people for staying in space

۳-۴- استخراج و تبیین شاخصه‌ها

در این بخش، شاخصه‌هایی که برای لحاظ کردن طیف وسیعی از رفتارها در فضاهای شهری لازم می‌باشند، جمع‌بندی می‌شوند. اکنون بر اساس نظریات و مطالعات بررسی شده در بخش پیشین، و همین‌طور بنابر وجوه مشترک میان آن‌ها، می‌توان سه شاخصه کلی را به مثابه

ویژگی‌های یک فضای کارآمد و موفق شهری رفتارگرا ارائه نمود (جدول ۴). البته شایان ذکر است که گرچه کتاب «سیمای شهر» لینچ منبع بسیار مهمی محسوب می‌شود، اما در این مقاله تنها به دلیل اهمیتش درباره تشریح مسائل ادراکی مورد توجه قرار گرفته و در استخراج شاخصه‌ها مورد استفاده واقع نشده است.

Table 4: Extracting the common characteristics of behavioral urban spaces

Common codes	Common concept	Characteristic
(A-2);(A-3);(A-4);(B-1);(B-6);(C-1);(C-2);(C-5);(C-9)	Emphasis on free movement of pedestrians	Pedestrian access
(B-4);(B-6);(C-3);(C-4);(C-7);(C-8);(C-9)	Emphasis on wide range of urban activities	Variety of activity
(A-5);(A-6);(A-7);(B-2);(B-3);(B-5);(B-6);(C-1);(C-2);(C-5);(C-6);(C-7);(C-9)	Emphasis on human relations	Social interactions

اکنون این سه شاخصه می‌توانند به عنوان پایه‌ای برای طراحی فضاهای شهری رفتارگرا محسوب شوند (تصویر ۳). در واقع، در نظر گرفتن دسترسی عابر پیاده^{۳۵} و حرکت آزادانه در فضا، موجب می‌شود تا انسان حاضر در فضا بتواند محیط و فضای شهری پیرامونش را بهتر درک کند و تمایل بالایی به بروز انواع رفتار داشته باشد؛ چراکه انسان خالص‌ترین و طبیعی‌ترین رفتارهایش را به هنگام حرکت با سرعت کم انجام می‌دهد. پس با لحاظ کردن اولویت حرکت عابر پیاده، می‌توان به طیف وسیعی از رفتارهای آزاد و غیر یکنواخت در فضاهای شهری دست یافت. از سویی دیگر برنامه‌ریزی و طراحی بر اساس تنوع فعالیتی^{۳۶} سبب می‌شود تا استفاده‌کنندگان از فضاهای

شهری، نسبت به انجام فعالیت‌های غیر یکنواخت و غیر خطی اهتمام ورزند، زیرا با افزایش تنوع فعالیتی، رفتارهای تابعه نیز متنوع‌تر خواهد بود و بدین‌سان طیف گسترده‌ای از رفتارهای شهری لحاظ خواهد شد. در نهایت نیز ارج نهادن به تعاملات اجتماعی^{۳۷} در فضاهای شهری، عامل بسیار مهمی در بروز طیف گسترده‌ای از رفتارهای اجتماعی محسوب می‌شود؛ چرا که تعاملات و برخوردهای سازنده اجتماعی به عنوان عامل تقویت‌کننده ارتباطات چهره به چهره انسان با انسان، باعث می‌شود تا فضاهایی اجتماعی و سیاسی دارای آزادی در انجام فعالیت و رفتار به وجود آیند و لذا خصیصه‌های جمعی و همگانی شهر تقویت شود.

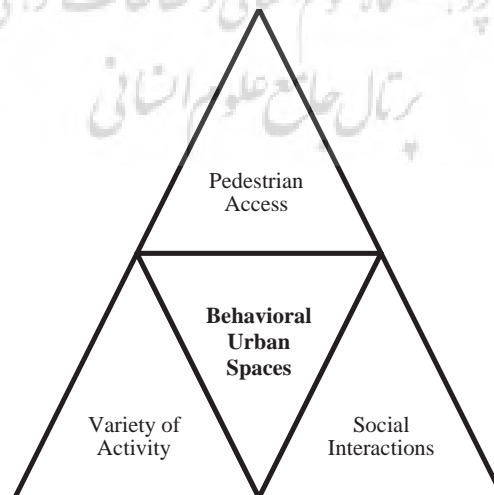


Fig. 3 Three main characteristics of behavioral urban spaces

۵- مطالعات دموکراتیک در گرایش‌های شهری؛ استخراج معیارهای طراحی شهری دموکراتیک

۵-۱- بررسی و واکاوی نظریات

بنابر اظهارات پیشین، رابطه شهرسازی و دموکراسی، در دو بُعد اجتماعی و محیطی قابل کنکاش است؛ در حقیقت زمانی می‌توان روند طراحی را دموکراتیک خطاب کرد که ترجیحات همگانی در دو بُعد اجتماعی و محیطی شهری لحاظ شود. امروزه متأسفانه تحقق بُعد محیطی اقدامات شهری کشورمان از رجحان بُعد اجتماعی آن تصور می‌شود، در حالی که بایستی به این دو بُعد به صورت یکسان پرداخته شود و چه بسا که بُعد اجتماعی آن شاید از اهمیت بیشتری برخوردار باشد. لذا در این بخش تلاش شده تا اصول و نکات کلیدی نظریات مرتبط در دو بُعد اجتماعی و محیطی بررسی شوند و در دو جدول (۵) و (۶) به تفکیک ردیف‌های دارای مفاهیم مشترک ارائه گردند تا در ادامه بتوان نسبت به استخراج معیارهای طراحی شهری دموکراتیک اقدام شود.

۵-۱-۱- بُعد اجتماعی

در بُعد اجتماعی یک شهر، دو مفهوم حق به شهر^{۳۸} و مشارکت عمومی، اصلی‌ترین شروط تحقق دموکراسی محسوب می‌شوند. نظریه تولید فضایی و مفهوم حق به شهر هانری لوفور، تقریباً اولین مواردی هستند که در آن‌ها به تقویت بُعد اجتماعی شهر پرداخته شده است. در این دو نظریه، تشکیل نهادهای تقویت‌کننده ویژگی‌های محلی درون‌زاد و حق به بازتولید فضاهای شهری (تنها برای شهروندان رسمی یک دیار) از اهمیت بسزایی برخوردار است (Lefebvre, 1991, 1996, 2002). سپس هاروی و مریفلد با تمرکز هرچه بیشتر بر مفهوم حقوق شهری و شهروندی، مسائلی از قبیل همه‌شمولی حقوق شهری و مشارکت مردم و استفاده برابر از فضاهای عمومی را پیشنهاد می‌دهند (هاروی و مری فیلد، ۱۳۹۲). به مرور زمان، مفهوم مشارکت مردمی به معنای حق رأی مساوی در خلق فضاهای شهری و همچنین قدرت تشکیل جوامع مدنی و اعتراض به وضع موجود، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت (Mäntysalo, 2004). در این میان، پاول دیویفد با مطرح کردن مفهوم شهرسازی وکالتی، موجب گشت تا مفهوم مشارکت عمومی تقویت شود (Davidoff, 1973). سپس طرح انگاره توسعه شهری میان رشته‌ای نیز توسط دانلد اپلیارد باعث شد تا امر مشارکت به ابعاد بالاتری صعود کند؛ تمامی هدف وی اعمال کثرت‌گرایی در امور شهر است (Appleyard, 1976). در ادامه با مطرح شدن مفهوم کنش ارتباطی توسط یورگن هابرماس، ارزش هنر گفتمان

همگانی و نهادهای اجتماعی ارتقاء یافت؛ کلیت پیشنهاد وی، توافق متقابل عمومی در تضاد با موفقیت مبتنی بر منافع شخصی است (هابرماس، ۱۳۹۴) تا فضاهای عمومی بتوانند بستری را برای گفتگو و مصالحه عمومی بر اساس منافع همگانی فراهم نمایند (Habermas, 1989).

اخیراً مارک پورسل با نقد دیدگاه لوفور و همچنین شهروندگرایی نئولیبرال، تئوری حق به شهر جهانی^{۳۹} را همچون نگرشی دموکراتیک متکی بر همه ساکنان و حتی مهاجران و غیر شهروندان در انواع جنسیت‌ها و نژادها و دارای حق به تخصیص و بهره‌برداری و مشارکت مستقیم در خلق و استفاده از فضا، پیشنهاد کرده است (Purcell, 2002, 2016, 2003). در این میان، دان میچل بیان می‌کند که یک فضای عمومی بایستی به گونه‌ای خلق شود تا عرصه‌ای برای حفظ و تقویت عدالت اجتماعی و دموکراسی به وجود آید (Mitchell, 2003). از سویی دیگر، ادوارد سوچا با مطرح کردن عدالت فضایی، به برابری و آزادی در دسترسی به امکانات موجود در فضا تأکید می‌کند (Soja, 1996, 2010) و ری هیبرت نیز با تمرکز بر دو مفهوم ارتباطات عمومی و دموکراسی، بر اهمیت فضاهای شهری به‌عنوان بهترین زمینه برای تقویت روابط اجتماعی صحنه می‌گذارد (Hiebert, 2005). همچنین آتکینسون و بلندلی نیز فضاهای شهری را لازمه تحقق تعاملات اجتماعی لذت بخش و عنصری مهم برای حل بحران‌های مهم اجتماعی شهری قلمداد می‌کنند (Atkinson and Blandly, 2005).

اخیراً، هنری سانوف با طرح دموکراسی مشورتی و مشارکتی (Sanoff, 2007, 2008, 2010)، نیک ویتز با تمرکز بر مشارکت اجتماعی دارای شفافیت و صداقت و همکاری و همه‌شمولی (Wates, 2000, 2008) و نبیل حمدی با تأکید بر تعاملات شهری و خود سازماندهی و خود مراقبتی از ارزش‌های اجتماعی (Hamdi, 2004, 2010)، موجب شده‌اند تا اهمیت بُعد اجتماعی طراحی شهری بر پایه منافع عام و خاص و بر اساس نحوه استفاده و نه مالکیت، بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد. در ادامه سوزان فاینشتاین پیشنهاد می‌کند که در راستای تقویت هرچه بیشتر مشارکت و استفاده برابر از فضاهای شهری، بایستی عدالت شهری با تمرکز بر تنوع، عقلانیت ارتباطی مبتنی بر دموکراسی مشورتی، و عدالت فضایی توسعه یابد (Fairstein, 2014). همین‌طور گریفین و همکارانش، معیارهایی از قبیل برابری، انتخاب، دسترسی، تنوع، مشارکت و خلاقیت را به‌عنوان اصول بهبودبخش و حامی عدالت شهری قلمداد می‌کنند (Griffin et al., 2015). این مسئله تا جایی ادامه داشته است

حقوق سیاسی در تقابل با معنای سنتی فضای شهری یاد می‌کند (Sassen, 2011).

که نهایتاً ساسکیا ساسن با پیوند نظریه عدالت شهری و مفاهیم سیاسی در مقیاس جهانی، از فضاهاى شهری به عنوان محلی برای حل پیچیدگی‌های اجتماعی و مطالبه

Table 5: Criteria for democratic urban design; social dimension

Row	Theorist	Nature of theory	Key points	Criteria
1	Henry Lefebvre	The right to the city	Citizen participation in creating the space; emphasis on social institutions	Establishing public institutions (i.e. places suitable for participating in the process of public design and development)
1	Harvey and Marifield	The right to the city	Public participation; considering all-inclusive urban rights	
1	Paul Davidoff	Advocacy planning	Public participation in preparing comprehensive programs and plans	
1	Jürgen Habermas	Communicative action	Focusing on public discourse to achieve a collective mutual agreement rather than personal interests	
1	Nabeel Hamdi	Participatory and social design	Public participation as a way of achieving human values	
1	Nick Wates	Participatory and social design	Public participation as a way of achieving common and coherent views and also raising public awareness	
1	Henry Sanoff	Participation in design practices	Public deliberation and collaboration; stressing public institutions	
1	Mark Purcell	Democracy and the right to the global city	The right to participate directly in the creation of urban spaces for various social groups	
1	Susan Fainstein	Urban justice	Communicative rationality based on consultative democracy as a way of reaching urban justice	
1	Griffin, Cohen, and Maddox	Urban justice	Equality, participation, and belonging as the criteria for realization of urban justice	
2	Harvey and Marifield	The right to the city	Equality and inclusiveness in the use of space	Creating public open spaces (i.e. places suitable for reclaiming the right to the city and also reinforcing social interaction and presence)
2	Donald Appleyard	Pluralistic and multidisciplinary planning	Creating public environments in order to reach social interactions	
2	Jürgen Habermas	The public sphere and democracy	Emphasizing the social role of public spaces as a context for reaching mutual discourse in a disinterested fashion	
2	Don Mitchell	Social justice	Public open space as an area for gaining social justice and democracy	
2	Ray Hiebert	Public communications and democracy	Stressing public aspects of urban spaces, such as the best platform for providing and strengthening public communication	
2	Atkinson and Blondly	Enclavism and controlling the urban communities	Urban spaces as the areas suitable for the realization of social and local interactions and solving urban social crises	
2	Edward Soja	Spatial justice	Equality and freedom in access to space and its facilities	
2	Nabeel Hamdi	Participatory and social design	Public interactions as the main factor of realizing a context for self-organizing and also preserving social values	
2	Saskia Sassen	Globalizing the concept of urban space	Urban space as a suitable place for solving social complexities and reclaiming political rights on a global scale	
2	Mark Purcell	Democracy and the right to the global city	The universal right to allocate and use urban spaces for all residents belonging to different social spheres and groups	

۵-۱-۲- بُعد محیطی

مارک فرانسیس معیارهای پاسخدهندگی محیطی را در گرو تحقق دسترسی ایمن و آزاد، تنوع، قابلیت مداخله و تغییر می‌داند (Francis, 1987). از سویی دیگر، فرانسیس تیبالدز معیارهایی از قبیل اختلاط کاربری، مقیاس انسانی، آزادی حرکت پیاده و دسترسی برای همه، ماندگاری و پایداری، قابلیت کنترل و تغییرات را لازمهٔ حصول به شهرسازی مردم‌مدار و شهروندگرا می‌پندارد (تیبالدز، ۱۳۸۷). امروزه با گره خوردن مسائل پایداری به امور شهری، مفاهیمی مانند تخصیص فضایی یکسان فعالیت‌ها برای کاهش سفرهای شهری مطرح می‌باشد. بدین ترتیب، پیتر کلتورپ با تأکید بر طراحی حمل و نقل محور و رابرت سرورو با تمرکز بر حمل و نقل و تخصیص کاربری، بر ایجاد اختلاط کاربری در نقاط پُرتردد شهری تأکید دارند (Calthorpe, 1996; Certero, 1993). همین‌طور، هانت و هانتز با پرداختن به مفهوم پایداری شهری، کیفیت‌هایی از قبیل نفوذپذیری، تنوع، انعطاف‌پذیری، امنیت و طراحی ارگانیک را به‌عنوان ویژگی‌های محیط‌های شهری پاسخده قلمداد می‌کنند (Haughton and Hunter, 1994). مضاف بر این، بحث ایجاد اختلاط کاربری برای تقویت پاسخدهندگی محیطی، در اظهارات دوانی و همکارانش نیز تحت عنوان رویکرد نوشهرسازی مشهود است (Duani et al., 2000). از سویی دیگر، متیو کرمونا و همکارانش، معیارهایی از قبیل دسترسی، اختلاط و تراکم و همه شمولی را لازمهٔ تحقق محیط‌های شهری پاسخده می‌دانند (کرمونا و همکاران، ۱۳۹۱).

اخیراً دیوید برین با تأکید بر رعایت دموکراسی در طراحی بُعد کالبدی شهر، به اصولی همچون اختلاط و تعادل در پخشایش بخش فعالیتی، وضوح و انعطاف‌پذیری، و طبیعت‌گرایی اشاره می‌کند (Brain, 2006). در نهایت سودارشان تیواری، اصولی از قبیل دسترسی آزاد، مقیاس انسانی و مبلمان شهری کارآمد را لازمهٔ تحقق فضاهای شهری پاسخده و بخصوص خیابان‌های شهری قلمداد می‌کند (Tiwari, 2017).

تا به امروز در بعد محیطی، مضامین دموکراتیک بسیاری چه بسا ناخودآگاه، نظیر «چشمان ناظر به خیابان»^{۴۰} (Jacobs, 1961)، «اصل شخص ثانی»^{۴۱} (بیکن، ۱۳۹۱)، کولاژ شهر (Rowe and Koetter, 1978)، محیط‌های پاسخده (بنتلی و همکاران، ۱۳۹۱) و غیره، برای ارتقاء پاسخدهندگی محیط شهری مطرح شده‌اند. تمرکز بر پاسخدهندگی محیطی به‌عنوان یک ارزش دموکراتیک، در راستای جبران ویژگی‌هایی از قبیل اختلاط کاربری و اختلاط اجتماعی و طراحی منعطف فضاهای شهری، با نقد جین جیکوبز از شهرسازی مدرن آغاز شد (Jacobs, 1961). از سویی دیگر، مفهوم ساختارگرایی، و کیفیت وحدت در عین کثرت، و همه شمولی در طراحی فضاهای شهری از سوی آلدو فن آیک (پاکزاد، ۱۳۹۰)، توجه به هنر و دخالت مردمی در خلق پدیدهٔ شهر به‌عنوان محصول ارادهٔ بشری از طرف ادموند بیکن (بیکن، ۱۳۹۱)، توجه به نگرش مختلط در طراحی بُعد فعالیتی و کاربری زمین توسط راب کریر (کریر، ۱۳۸۴)، و بیان مفهوم طراحی شهری تدریجی و منعطف و زمینه‌گرا در مقابل طراحی همه‌جانبه و تمامیت‌خواه از طرف رو و کوتر (Rowe and Koetter, 1978)، اهمیت این موضوع را دوچندان نمود. همچنین، برخی از معیارهای دیگر نیز می‌توانند به‌عنوان پیش فرض تحقق دموکراسی در بُعد محیطی شهر تصور شوند. از این قبیل می‌توان به یان بنتلی و معیاری همچون نفوذپذیری به‌مثابه عاملی برای ایجاد قابلیت نفوذ بصری- کالبدی، و همین‌طور معیار گوناگونی عاملی برای طراحی بر اساس نیاز همه، و معیار انعطاف‌پذیری عاملی برای در نظر گرفتن تغییرپذیری و پتانسیل بالا در استفاده از محیط شهری، و در نهایت معیار پاکیزگی و طبیعت محوری همچون عاملی برای تقویت حس رفاه و آسایش عمومی اشاره کرد (بنتلی و همکاران، ۱۳۹۱). به همین منوال، کوین لینچ نیز معیارهایی را از قبیل سرزندگی، نظارت و اختیار، گوناگونی، عدالت در دسترسی برای گروه‌های مختلف اجتماعی، کارایی و غیره مطرح می‌کند (لینچ، ۱۳۹۰).

Table 6: Criteria for democratic urban design; environmental dimension

Row	Theorist	Nature of theory	Key points	Criteria
1	Bentley and colleagues	Responsive environments	Permeability	
1	Jane Jacobs	Criticizing the modern urbanism	Permeability	
1	Haughton and Hunter	Sustainable cities	Permeability	Applying
1	Kevin Lynch	The good city form	Accessibility	visual and
1	Mark Francis	Democratic streets	Easy and safe accessibility	physical
1	Carmona and colleagues	Public places- urban spaces	Accessibility	permeability
1	Francis Tibbalds	People-friendly design	Free public accessibility	
1	Sudarshan Tiwari	Democratic street	Free public accessibility	

2	Bentley and colleagues	Responsive environments	Diversity	
2	Haughton and Hunter	Sustainable cities	Variety	
2	Mark Francis	Democratic streets	Variety	
2	Jane Jacobs	Criticizing the modern urbanism	Mixed land-use	
2	Peter Calthorpe	Transit-oriented development	Mixed land-use	
2	Duani and colleagues	New urbanism	Mixed land-use	Developing mixed land-uses
2	Rob Krier	Urban space	Mixed land-use	
2	Robert Cervero	Mixed land-uses and commuting	Mixed land-use	
2	Francis Tibbalds	People-friendly design	Mixed land-use	
2	Carmona and colleagues	Public places- urban spaces	Mixing and density	
2	David Brain	Democracy in physical aspects of urban design	Mixing and balance	
3	Kevin Lynch	The good city form	Control and freedom	
3	Edmund Bacon	Structuralism	City as the human product	
3	Jane Jacobs	Criticizing the modern urbanism	Spatial flexibility	
3	Bentley and colleagues	Responsive environments	Flexibility	Applying flexibility and variability
3	Haughton and Hunter	Sustainable city	Flexibility	
3	Mark Francis	Democratic streets	Intervention and alteration	
3	Rowe and Koetter	Piecemeal design	Flexibility	
3	Francis Tibbalds	People-friendly design	Controlling and change	
3	David Brain	Democracy in physical aspects of urban design	Clarity and flexibility	
4	Francis Tibbalds	People-friendly design	Human scale	
4	Sudarshan Tiwari	Democratic street	Human scale	
4	Aldo Van Eyck	Structuralism	All-Inclusiveness	All-inclusive design
4	Edmund Bacon	Structuralism	All-Inclusiveness	
4	Carmona and colleagues	Public places- urban spaces	All-Inclusiveness	
4	Kevin Lynch	The good city form	Efficiency and justice	
5	Bentley and colleagues	Responsive environments	Cleanliness and naturalism	
5	Kevin Lynch	The good city form	Vitality	
5	Mark Francis	Democratic streets	Safety and environmental health	Providing the sense of comfort and security
5	Haughton and Hunter	Sustainable city	Safety and organic design	
5	Francis Tibbalds	People-friendly design	Sustainability and durability	
5	Sudarshan Tiwari	Democratic street	Creating efficient urban elements	
5	David Brain	Democracy in physical aspects of urban design	Nature-based design	

۵-۲- استخراج و تبیین معیارها

در این بخش سعی می‌شود تا معیارهای دموکراتیکی که در جداول مربوط به دو بُعد اجتماعی و محیطی مشخص شدند، به تفکیک ردیف‌های مشترک همان دو بُعد جمع‌بندی شوند. این معیارها که منجر به تحقق کلیت اولیه طراحی شهری دموکراتیک می‌شوند، می‌توانند پاسخگوی طراحی آن دسته از فضاهای شهری باشند که بایستی بر پایه ارزش‌های انسانی و ترجیحات دموکراتیک شکل گیرند. چراکه این معیارها در بُعد اجتماعی از طریق خلق فضاهای

باز عمومی و نهادهای مردمی، منجر به تحقق اصل مشارکت و رعایت حق به شهر می‌شوند و در بُعد محیطی نیز کیفیت‌های پاسخده اولیه مورد نیاز در فضاهای شهری را تقویت می‌کنند و آرامش و امنیت و همه‌شمولی و انعطاف و نفوذپذیری و اختلاط کاربری را به ارمغان می‌آورند؛ ارزش‌هایی کلیدی که برای تحقق جوانب دموکراتیک فضاهای شهری ضروری هستند. اکنون با توجه به تصویر (۴)، می‌توان معیارهای طراحی شهری دموکراتیک را به تفکیک هر بُعد مشاهده نمود.

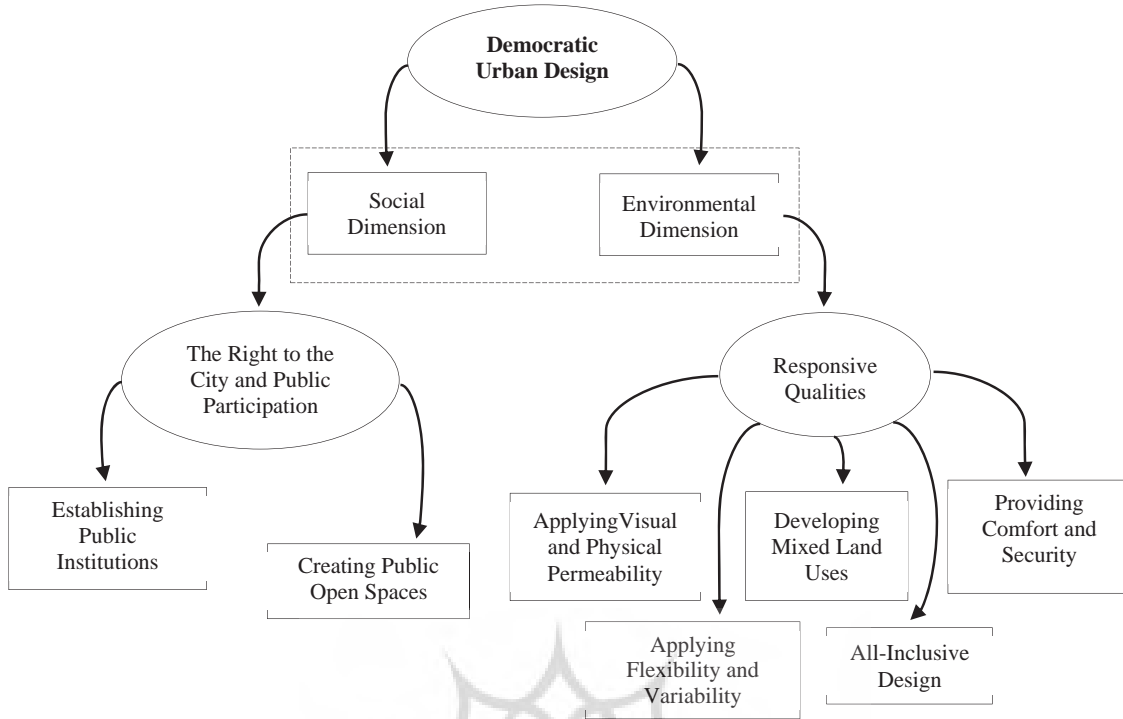


Fig. 4 Democratic urban design criteria in both social and environmental dimensions

این دو اقدام نمود. لذا در این مرحله سعی بر این است تا از طریق تطبیق و همپوشانی شاخصه‌های فضاهای شهری رفتارگرا با معیارهای طراحی شهری دموکراتیک، چهارچوب منطقی مورد نظر تدوین شود. طبیعتاً هر کدام از شاخصه‌های فضاهای شهری رفتارگرا با برخی از معیارهای طراحی شهری دموکراتیک سازگارترند. بدین منظور در جدول (۷)، سعی شده تا شاخصه‌های فضاهای شهری رفتارگرا با معیارهای طراحی شهری دموکراتیک بر حسب نیاز (اینکه هر کدام از معیارها در کدام یک از شاخصه‌ها بهتر ایفای نقش می‌کنند) انطباق داده شوند. شایان توجه است که نحوهٔ تطبیق شاخصه‌ها و معیارها بر اساس مشورت با اساتید و دست اندرکاران شهری بوده و در نهایت توسط نویسندگان جمع‌بندی شده است.

۶- یکپارچه‌سازی نظریات؛ روند طراحی فضاهای شهری رفتارگرا بر اساس رویکرد طراحی شهری دموکراتیک
 نظر بر اینکه هدف کلی این مقاله ایجاد زمینه‌ای دموکراتیک برای لحاظ کردن طیف گسترده‌ای از رفتارهای انسانی در فضاهای شهری است، بنابراین شاخصه‌های فضاهای شهری رفتارگرا، نیازمند برخی از معیارهای کارآمدی است که برای تحقق مرحلهٔ طراحی مورد نیاز می‌باشند؛ عملاً معیارهایی که در فرایند طراحی بتواند نگرش آزادانه به استفاده‌کنندهٔ از فضا را توجیه کرده و پاسخگوی طیف وسیعی از رفتارهای مردمی باشند. اکنون، پس از مشخص شدن شاخصه‌های فضاهای شهری رفتارگرا و معیارهای طراحی شهری دموکراتیک، می‌توان نسبت به ادغام و یکپارچه‌سازی

Table 7: Synthesizing the characteristics of behavioral urban spaces and democratic urban design criteria

Democratic urban design criteria	Social dimension (the right to the city and public participation)		Environmental dimension (responsive qualities)				
	Establishing public institutions	Creating public open spaces	Applying visual and physical permeability	Developing mixed land uses	Applying flexibility and variability	All-Inclusive design	Providing the sense of comfort and security
Characteristics of behavioral urban spaces							
Pedestrian access							
Variety of activity							
Social interactions							

تصویر (۵) مشاهده نمود. این روند متکی بر شاخصه‌های فضاهای شهری رفتارگرا و منطبق بر ارزش‌های دموکراتیک شهری است.

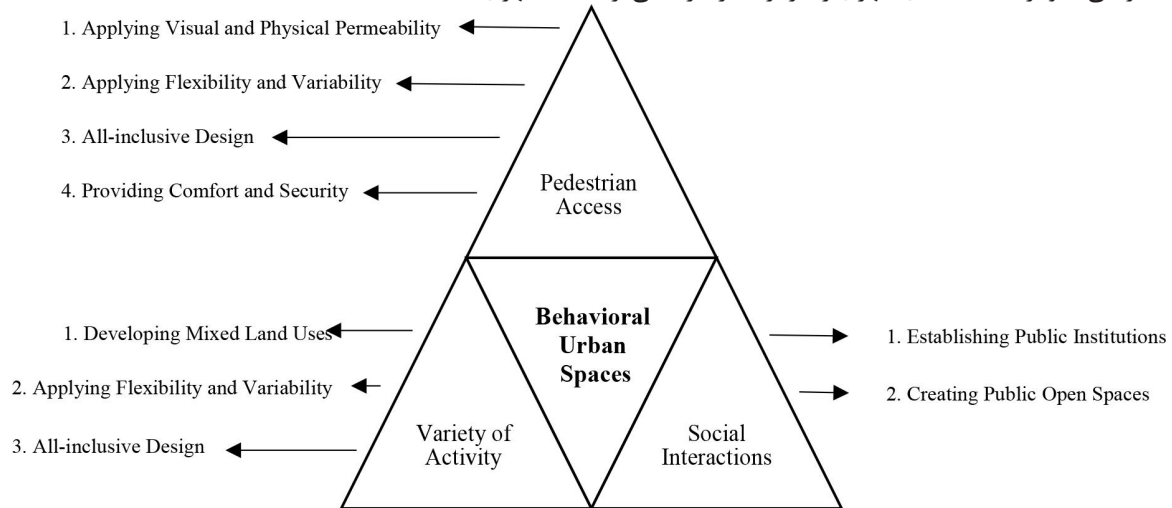


Fig. 5 The democratic design of behavioral urban spaces

حق با اسکار گراور^{۴۵} (۲۰۰۲) است که می‌گوید، بسیاری از دیوارهای شهری - چه به طور مادی و چه غیرمادی - بایستی در کشورهای در حال توسعه فرو ریزد و بجای سر بر آوردن ترکیبات انفصال‌گرا و تجزیه‌گرا در بافت‌ها و علی‌الخصوص فضاهای شهری، رابطه‌ای میان ارزش‌های رفتاری و دموکراسی و شهر برقرار شود تا با اولویت یافتن نیازها و فعالیت‌ها و رفتارهای مردم، واقعیت بُعد اجتماعی و محیطی فضاهای شهری دموکراتیک نیز امکان تکوین یابد. طراحی بر اساس رفتار همانا طراحی بر اساس عامل رفتار است که عامل رفتار نیز چیزی جز انسان نیست. لذا طراحی بر اساس رفتار استفاده‌کنندگان از فضاهای شهری، همانا طراحی بر اساس ارزش‌های دموکراتیک است، چراکه امکان بروز طیف وسیعی از رفتارهای آزادانه را بنابر ترجیحات شخصی و عمومی در فضاهای شهری ممکن می‌سازد. یافته‌های نظری مطالعه حاضر نشان از آن دارد که ارزش‌های رفتاری و دموکراتیک در امور شهری، متقوم از یکدیگرند و در صورت ادغام می‌توانند در دو بُعد محیطی و اجتماعی، بستری را برای بروز طیف گسترده‌ای از رفتارهای حرکتی کاملاً آزاد لحاظ کرده، تنوع فعالیت‌ها را به همراه آورده، و همچنین تعاملات سازنده مردمی را تقویت کنند. طبیعتاً همین موضوع با افزایش احتمال‌دهندگی محیطی سبب بروز طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها و رفتارهای «اختیاری و اجتماعی» در مقابل بخش صرفاً «اجباری» می‌شود و بدین

اکنون می‌توان به وضوح، نحوه تطبیق شاخصه‌های فضاهای شهری رفتارگرا و طراحی شهری دموکراتیک (فرایند طراحی دموکراتیک فضاهای شهری رفتارگرا^{۴۲}) را در قالبی از

۷- بحث و نتیجه‌گیری

عدم تحقق چهارچوبی منعطف بر پایه دموکراسی و رفتارهای غیرجبری در امر طراحی شهری کشورمان، سبب‌ساز تولید اهداف مبهم می‌شود. نباید به شهروندان همچون موجوداتی بی‌اختیار نگرست و باید از دیدگاه‌های «تمامیت‌خواهانه» در روند طراحی فضاهای شهری و همین‌طور شرطی‌سازی شهروندان اجتناب کرد. مسلم است که در انتظار کیفیت لازمه بودن، می‌تواند منجر به سردرگمی شهروندان شود و در آینده، معضلات لاینحل اجتماعی و فرهنگی عمیقی را در شهرهایمان رقم بزند. پیشنهاد این مقاله، چهارچوبی است که بتواند جای خالی «تمرکز بر ارزش‌های انسانی در روند طراحی فضاهای شهری» را جبران کند. حرفه طراحی شهری بایستی نه به عنوان «هرمی برای اعمال رادیکال قدرت»، بلکه به‌مثابه «ابزاری برای توسعه مشارکت‌آمیز انسانی» مد نظر قرار گیرد؛ یا به قول هیلی^{۴۳} (۲۰۰۸)، شیوه‌ای مشارکتی باشد که در آن، سکون توسعه ایده‌های سیاسی و پروژه‌های اجرایی شهری در دست شهروندان باشد و نه برنامه‌ریزان و سیاست‌مداران؛ یا به نقل از آلبرشتس^{۴۴} (۲۰۰۸)، همچون اقدامی باشد که در آن، برنامه‌ریز و طراح بدانند که می‌بایست چیزی بیش از ناخدا باشند و وظیفه‌شان، فراتر از هدایت و پیشبرد صرف کشتی؛ تا بدین ترتیب برای انواع نیازها و فعالیت‌ها و رفتارهای استفاده‌کنندگان از فضاهای شهری زمینه‌سازی شود.

بر کیفیت تولید مکان و فضا متمرکز شوند و به مردم اجازه دهند تا با حضور در فضاهای شهری و به دور از هرج و مرج، بر اساس آزادی عملی که در بروز رفتار می‌یابند، به فضاهای ایجاد شده بنابر نیاز و ذهنیت خود معنا داده و آن‌ها را به مکان‌هایی دموکراتیک تبدیل کنند و باری دیگر بر این جمله از جوزپ راموندا^{۴۶} (۲۰۰۳) صحنه بگذارند که می‌گوید: «هویت شهر در حقیقت همان بی‌هویتی است، چراکه تنها هویت آن، تنوع است»^{۴۷}. زمانی که مردم در بستری رفتارگرا و دموکراتیک حضور یابند، آنگاه می‌توانند پاسخ سوالاتشان را بگیرند و عادلانه‌تر و سازنده‌تر عمل کنند و از نقطه نظر ژیل دلوز^{۴۸} و آس امین^{۴۹} به تصریح تجربه «چندگانگی»^{۵۰} و از نگاه دورن مسی^{۵۱} به «تلملم باهم‌بودگی»^{۵۲} در شهرهای متضمن مردمانی کاملاً غریبه و متفاوت الانفس (ویژگی بارز امروزی افراد شهرنشین) کمک کنند^{۵۳}: در واقع همان فرایند دادن «اختیار» و «شخصیت» و «آزادی» و پس گرفتن «همکاری» و «احترام» و «سازندگی». بنابراین، صلاح بر این است تا ارزش‌های رفتاری و دموکراتیک در روند شهرسازی کشورمان بیشتر مورد تعمق قرار گیرند تا روشن شود که بایستی دغدغه اصلی اقدامات شهرسازانه، چیزی جز هموارسازی زمینه برای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری شهروندان و اقشار غیر شهروند نباشد تا بدین سان، آینده شهرهایمان بتواند درخشان‌تر از گذشته‌شان باشد.

قدردانی

نویسندگان از دکتر استنلی ویلکین، به جهت راهنمایی‌های ارزنده‌شان در نگارش مقاله حاضر و اصلاح و بازنویسی بخش انگلیسی متن، نهایت تشکر را دارند.

طریق فضاهای شهری مورد نظر بر اساس ارزش‌های رفتاری و دموکراتیک شکل می‌گیرند. بنابراین، «طراحی دموکراتیک فضاهای شهری رفتارگرا» پاسخ سازمان یافته‌ای است که به نیازها و ارزش‌های انسانی استفاده‌کنندگان از فضاهای شهری داده می‌شود. به طور واضح‌تر، این رویکرد باعث می‌شود تا روند طراحی بر اساس رفتار از حالت مبهم و غامض خارج شود و همچنین با تولید همکاری، زندگی مدنی احیا شده و مسائل چالش برانگیز عدالت اجتماعی و دموکراسی و پاسخ‌دهندگی محیطی نیز شاید تا حدودی حل شوند. جهت‌گیری دموکراتیک همواره موجب می‌شود تا هر پاسخ نهایی در امور شهری به بحث گذاشته شود و نهایی تلقی نگردد. تحقق فضاهای باز و نهادهای مردمی در بُعد اجتماعی آن سبب می‌گردند تا مردم بتوانند در مورد مشکلاتشان به گفتگو بپردازند و هر چیزی را مورد سوال قرار دهند و به تفاهم رسیده و بیاموزند که به راستی می‌توانند معضلات شهروندان را از طریق مباحثه و انتقاد حل کنند. همچنین از سویی دیگر، تحقق بُعد محیطی آن نیز باعث می‌شود تا بستر فیزیکی مناسب و با کیفیتی برای ارتقاء حضورپذیری و رفاه و آسایش مردم در فضاهای شهری به ارمغان آید. البته به پرسش گذاشتن اقدامات فیزیکی و محیطی نیز پیش از اجرا ضروری است و پس از اجرا شدن نیز توجه به پیامدهای نامطلوب، موجه‌ترین دلیل برای اصلاح آن‌هاست.

به عنوان سخن نهایی، به دلیل سلطه کمیت در کشورمان (هم در اجرا و هم در نظریه)، بایستی فرایندهای شهری از اعداد و ارقام‌های پیچیده و به طور کلی از دیدگاه‌های خشک و غیر منعطف غالب فاصله گرفته و

پی‌نوشت

۱. البته هنوز هم اندیشمندانی هستند که بر ناکارآمدی و بی‌کیفیتی رشته شهرسازی و به طور کلی شهرگرایی اصرار می‌ورزند. مثلاً رم کولهوس در سال ۱۹۹۵ در مقاله خود تحت عنوان «هر آنچه که برای شهرگرایی پیش آمد»، شهرسازی را به‌عنوان رشته‌ای شکست‌خورده تشخیص می‌دهد و می‌نویسد که: «چگونه بایستی این تناقض را توضیح دهیم که امروزه علی‌رغم رواج شهرنشینی، [...] نشانی از حرفه شهرسازی نیست و با این همه، این حرفه همچنان می‌کوشد تا یک پیروزی قطعی را برای شهرها در مقیاس جهانی بنیان نهد».

2. Developed Countries
3. Developing Countries
4. Public and Civic
5. Freedom in Action and Behavior
6. Noncity

۷. Josep Ramoneda: روزنامه‌نگار اسپانیایی (زاده ۱۹۴۹).

8. Totalitarianism
9. Elitism

۱۰. Rob Krier: مجسمه‌ساز، معمار، طراح شهری، و نظریه‌پرداز اهل لوکزامبورگ (زاده ۱۹۳۸).

۱۱. Anthony Giddens: جامعه‌شناس بریتانیایی (زاده ۱۹۳۸).

۱۲. در اینجا منظور از فضای فیزیکی، همان محیط شهری معرف کیفیت‌های فیزیکی و قابل لمس است.

۱۳. Louis Albrechts: برنامه‌ریز شهری بلژیکی.

۱۴. خلاقیت پائین‌دستان در مقابل خلاقیت تحمیل شده از بالا.
۱۵. در نوع به نسبت مشابه، ویکاس مهتا، فعالیت در فضاهای شهری را در سه دسته فعالیت‌های ثابت و پایدار (Stationary Activities)، فعالیت‌های طولانی (Lingering Activities) و فعالیت‌های اجتماعی مورد بررسی قرار داده است (ر. ک. به: Mehta, 2006).
۱۶. Amos Rapoport: معمار لهستانی (زاده ۱۹۲۹).

17. Environmental Determinism
18. Environmental Possibilism
19. Environmental Probabilism
20. Communicative Rationality

۲۱. Jürgen Habermas: فیلسوف آلمانی (۱۹۲۹).

۲۲. دموکراسی مستقیم یا نیرومند (Direct Democracy) به معنای حکومت مردم به صورت مستقیم است و از سویی دیگر، تفاوتش با دموکراسی غیر مستقیم (Indirect Democracy or Representative Democracy) در آن است که در یک سیستم دموکراتیک غیر مستقیم، اگرچه انتخاباتها و تصمیمات توسط مردم انجام می‌شود، اما می‌تواند توسط دولت و یا مسئولین مربوطه به چالش کشیده شود (ر. ک. به: بشریه، ۱۳۹۲: ۱۷۸-۱۸۲).

۲۳. به گفته اولدنبرگ، مکان سوم (Third Place) فضایی اجتماعی از قبیل پارک‌ها و یا کافه‌ها در بستر شهر است که برای تحقق جامعه مدنی، دموکراسی و مشارکت مدنی مهم می‌باشد (ر. ک. به: Oldenburg, 1999).

24. Public Realm
25. Public Sphere
26. Social Realm

۲۷. در اینجا لازم است تا توضیح داده شود که منظور از عرصه‌ای برای «ما»، تبعیت از دیدگاه‌های جمع‌گرایانه و نقض آزادی فردی نیست. در اینجا منظور از شهری برای «ما»، دوری از دیدگاه‌های انحصارطلبانه و خودخواهانه است؛ یعنی شهری برای همه و نه تنها عده‌ای بخصوص. البته جوزپ راموندا، این جمله از مقاله حاضر را به طرز جالبی به شکلی برعکس بیان می‌کند و می‌نویسد: «شهر عرصه‌ای است برای هر آنچه «مفرد» است و «مستقل»، که در مقابل اجتماع قرار می‌گیرد. شهر قلمرویی است برای «من»، در حالی که قلمروی اجتماع با «ما» تعریف می‌شود. و من جزء کسانی هستم که معتقدم، هرباری که «من» به «ما» تبدیل می‌شود و یک فرد بنام «ما» سخن می‌گوید، آزادی کمی بیشتر می‌شکند و سر به تباهی می‌گذارد». در اینجا «منی» که راموندا از آن سخن می‌گوید همان جزء لایتجزای «مایی» است که ما در این مقاله بدان اشاره داریم. به دیگر سخن، «مایی» که در اینجا از آن یاد شده، تجمیعی است از «من»هایی که راموندا از آن‌ها یاد می‌کنند.

28. Characteristics of Behavioral Urban Spaces

۲۹. مکتب تداعی‌گرایی (Associationism)، معتقد به تفاوت‌های ذاتی و ارثی در اذهان عمومی نیست و فقط تجربه افراد را ملاک ایجاد تفاوت‌های رفتاری می‌داند؛ دیدگاه جبرگرایانه این رویکرد به کرات مورد انتقاد قرار گرفته است.

30. Behaviorism

۳۱. Oscar Newman: معمار، برنامه‌ریز شهری و مجسمه‌ساز کانادایی (۱۹۳۵-۲۰۰۴).

۳۲. Erika Spiegel: جامعه‌شناس آلمانی (۱۹۲۵-۲۰۱۷).

۳۳. Alexander Micherlich: روانکاو و شهرشناس آلمانی (۱۹۰۵-۱۹۸۲).

۳۴. در بخش‌هایی از مقاله حاضر که اسامی اشخاص و آثارشان در جداول انگلیسی موجود می‌باشند، از عنوان کردن این موارد در بخش پی‌نوشت خودداری شده است.

35. Pedestrian Access
36. Variety of Activity
37. Social Interactions
38. The Right to the City
39. The Right to the Global City
40. Eyes on the Street
41. Principle of the Second Man

۴۲. امروزه در کشورهای توسعه یافته، نمونه‌های دموکراتیک و رفتارگرایی بسیاری را می‌توان در میان فضاهای شهری یافت. برای ملموس‌تر شدن چستی فضاهای شهری رفتارگرا و دموکراتیک، فضاهایی از قبیل (۱) سوپرکیلن (Superkilen) در محله نورو (Nørrebro) از شهر کپنهاگ در دانمارک، (۲) تالار اپرای آسلو (Oslo Opera House) در شهر بیوریکا (Bjørnsvika) در نروژ و (۳) محله شهر فردا (City of Tomorrow) در شهر ملمو در سوئد را مورد بررسی و مطالعه قرار دهید.

۴۳. Patsy Healey: برنامه‌ریز شهری بریتانیایی (زاده ۱۹۴۰).

۴۴. ر. ک. به: پی‌نوشت شماره ۱۳.

۴۵. Oscar Grauer: طراح شهری بریتانیایی.

۴۶. ر. ک. به: پی‌نوشت شماره ۷.

۴۷. البته نباید این موضوع را با بحران هویت اشتباه گرفت. در اینجا تنوعی مد نظر است که به عنوان مثال از بروز نژادپرستی جلوگیری می‌کند؛ مسئله‌ای که در واقع خود عامل ایجاد و تشدید بحران هویت است.

۴۸. Gilles Deleuze: فیلسوف فرانسوی (۱۹۲۵-۱۹۹۵).

۴۹. Ash Amin: برنامه‌ریز منطقه‌ای و شهری آمریکایی- هندی (زاده ۱۹۹۵).

50. Multiplicity

۵۱. Doreen Massey: متخصص جامعه‌شناسی و جغرافیدان بریتانیایی (۱۹۴۴-۲۰۱۶).

52. Thrown-togetherness

۵۳. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: Amin, Ash. (2008). Collective culture and urban public space. Breus CCCB, Barcelona.

فهرست منابع

- آلتمن، ابروین (۱۳۸۲). محیط و رفتار اجتماعی؛ خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام (مترجم: علی نمازیان). تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- براتی، ناصر (۱۳۸۵). چالش‌های رودرروی شهرسازی در ایران در آستانهٔ قرن ۲۱. باغ نظر، ۳(۶)، ۵-۲۹.
- بحرینی، سید حسین (۱۳۷۵). تحلیل فضاهای شهری؛ در رابطه با الگوهای رفتاری استفاده‌کنندگان و ضوابطی برای طراحی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بحرینی، سید حسین (۱۳۹۱). فرایند طراحی شهری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بختیار نصرآبادی، آمنه؛ بختیار نصرآبادی، حسنعلی؛ بختیار نصرآبادی، احمد (۱۳۹۰). تحلیلی بر فضای شهری مردم‌گرا و رابطهٔ آن با رفتار شهروندی. نشریهٔ جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۲(۳): ۱۰۱-۱۱۴.
- بشیریه، حسین (۱۳۹۲). درس‌های دموکراسی برای همه. تهران: نگاه معاصر.
- بنتلی، ای‌ین؛ الکک، آلن؛ مورین، پال؛ مک‌کلین، سو؛ و اسمیت، گراهام (۱۳۹۱). محیط‌های پاسخده: کتاب راهنمای طراحان (مترجم: مصطفی بهزادفر). تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت.
- بیکن، ادوموند (۱۳۹۱). طراحی شهرها (مترجم: فرزانه ی طاهری). تهران: شهیدی.
- پارسا، محمد (۱۳۷۴). روانشناسی یادگیری بر بنیاد نظریه‌ها. تهران: نشر سخن.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۵). مبانی نظری و فرایند طراحی شهری. تهران: شهیدی.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۶). مقالاتی در باب طراحی شهری (جلد اول). تهران: شهیدی.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۹). سیر اندیشه‌ها در شهرسازی ۳: از فضا تا مکان. تهران: انتشارات آرمان شهر.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۹۰). سیر اندیشه‌ها در شهرسازی ۲: از کمیت تا کیفیت. تهران: آرمان شهر.
- پوپر، کارل (۱۳۸۰). جامعه‌باز و دشمنان آن (مترجم: عزت‌الله فولادوند). تهران: خوارزمی.
- پیرزاده، حسین (۱۳۸۷). اصلاح نظام مدیریت توسعه شهری در ایران بر اساس رویکرد راهبردی. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
- توسلی، محمود (۱۳۶۹). اصول و روشهای طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران: جلد اول: تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- توکلی‌نیا، جمیله؛ رئیس، حسین؛ آقایی، پرویز (۱۳۹۴). سنجش میزان کارایی زیرگذرهای شهری در راستای پایداری (مورد پژوهی: زیرگذر چهارراه ولیعصر، تهران). مطالعات مدیریت شهری، ۷(۲۱)، ۲۲-۳۴.
- تیبالدز، فرانسیس (۱۳۸۷). شهرسازی شهروندگرا: ارتقاء عرصه‌های همگانی و محیط‌های شهری (مترجم: محمد احمدی نژاد). اصفهان: خاک.
- حبیبی، سید محسن (۱۳۷۸). جامعه‌ی مدنی و حیات شهری. هنرهای زیبا، شماره ۷، ۲۱-۳۳.
- خطیبی، سید محمدرضا (۱۳۹۲). تاثیر متقابل الگوهای رفتاری در احیای هویت محیط شهر (مطالعه موردی: محدوده ورودی سندج). هویت شهر، ۷(۱۳)، ۶۳-۷۳.
- رستم‌زاده، یاور؛ رنج آزما آذری، محمد؛ نادری، سید مجید؛ یگانسه، منصور؛ محمودی‌نژاد، هادی (۱۳۸۹). روش‌های ارزیابی رفتارهای شهروندی در فضاهای شهری در رویکرد فراتحلیل. فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۱۲(۳)، ۱۷۵-۱۹۰.
- شعاری‌نژاد، علی اکبر (۱۳۸۰). نگاهی نو به روانشناسی آموختن یا روانشناسی تغییر رفتار. تهران: انتشارات چاپخش.
- شماعی، علی؛ فخری پور محمدی، افسانه؛ زنگانه، احمد؛ پریزادی، طاهر (۱۳۹۵). ارزیابی رضایتمندی شهروندان از عملکرد زیرگذرها در شهر تهران (مطالعه موردی: پروژه زیرگذر چهارراه ولیعصر شهر تهران). مطالعات مدیریت شهری، ۸(۲۷)، ۴۲-۵۳.
- گل، یان (۱۳۸۷). زندگی در فضای میان ساختمان‌ها (مترجم: شیما صنتی). تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- گودسل، چارلز (۱۳۸۶). مفهوم فضای عمومی و جنبه‌های مردم‌سالارانه آن (مترجم: هدیه نوربخش). فصلنامه معماری ایران، شماره ۲۹-۳۰، سال هشتم.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴). پیامدهای مدرنیته (مترجم: محسن ثالثی). تهران: نشر مرکز.
- کدیور، پروین (۱۳۷۹). روانشناسی یادگیری: از نظریه تا عمل. تهران: انتشارات سمت.
- کامروا، سید محمد علی (۱۳۹۲). شهرسازی معاصر ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کرمانا، متیو؛ هیت، تیم؛ اک، تر؛ و تیزدل، استیون (۱۳۹۱). مکان‌های عمومی، فضاهای شهری: ابعاد گوناگون طراحی شهری (مترجم: فریبا قرائی، مهشید شکوهی، زهرا اهری و اسماعیل صالحی). تهران: انتشارات دانشگاه هنر.
- کریور، راب (۱۳۸۴). فضای شهری (مترجم: خسرو هاشمی نژاد). اصفهان: خاک.
- کریمیان، حسن؛ موسوی‌نیا، سید مهدی (۱۳۹۲). آگورا و روابط اجتماعی - فرهنگی در آتن دوره کلاسیک. باغ نظر، ۱۰(۲۴)، ۱۳-۲۶.
- لنگ، جان (۱۳۹۵). آفرینش نظریه معماری - نقش علوم رفتاری در طراحی محیط (مترجم: علیرضا عینی‌فر). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- لینچ، کوین (۱۳۹۰). تئوری شکل خوب شهر (مترجم: سید حسین بحرینی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- لیبتج، کوین (۱۳۹۵). سیمای شهر (مترجم: منوچهر مزینی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- هابرماس، یورگن (۱۳۹۴). نظریه کنش ارتباطی (مترجم: کمال پولادی). تهران: نشر مرکز.
- هاروی، دوید؛ و مری فیلد، اندی (۱۳۹۲). حق به شهر: ریشه‌های شهری بحران‌های مالی (مترجم: خسرو کلانتری). تهران: مهریستا.
- Aghostin Sangar V (2007). Human behaviour in public spaces, Thesis in Urban Planning, Faculty of Built Environment, The University of New South Wales.
- Albrechts, Louis (2008). Setting the Scene. *Planning Theory and Practice*, Vol. 9, No. 3, pp. 410-414.
- Appleyard D, Lynch K, Myer JR (1964). *The View from the Road*, Cambridge: MIT.
- Appleyard D (1976). *Planning the pluralist city: conflicting realities in Ciudad Guayana*. Cambridge: MIT.
- Appleyard D, Gerson MS, Lintell M (1981). *Livable streets*, University of California Press.
- Atkinson R, Blandly S (2005). Introduction: international perspectives on the new enclavism and the rise of gated communities, *Housing Studies*, Vol. 20, No. 2, pp. 177-186. Doi: 10.1080/0267303042000331718
- Bahrainy SH, Aminzadeh B (2007). Evaluation of Navab regeneration project in central Tehran, Iran, *International Journal of Environmental Research*, Vol. 1, No. 2, pp. 114-127.
- Barker R (1968). *Ecological psychology: concepts and methods for studying the environment of human behavior*, California: Stanford University Press.
- Barzegaran M, Daroudi MR (2015). Assessment of Mehr housing project as an example of housing for low-income people in Iran, *IOSR Journal of Mechanical and Civil Engineering*, Vol. 12, No. 1, pp. 70-74.
- Berman M (1986). Take it to the streets: Conflict and community in public space, *Dissent*, Vol. 33, No. 4, pp. 476-485.
- Bienstock CC, Demoranville WC, Smith KR (2003). Organizational citizenship behavior and service quality, *Journal of Services Marketing*, Vol. 17, No. 4, pp. 357-378.
- Brain D (2006). Democracy and urban design: the transect as civic renewal, *Places*, Vol. 1, No. 18, pp. 17-23.
- Calthorpe P (1993). *The next American metropolis: ecology, community and the American dream*, New York: Princeton Architectural Press.
- Carr S, Francis M, Rivlin LG, Stone AM (1992). *Public space*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Çelebican P (2011). Pedestrianization and a skyway connection proposal for Stockholm city center. M.Sc. Thesis in Urban Design, Istanbul Technical University, Institute of Science and Technology, Turkey.
- Cervero R (1996). Mixed land-uses and commuting: evidence from the American housing survey, *Transportation Research A*, Vol. 30, No. 5, pp. 361-377.
- Chapin FS (1974). *Human activity patterns in the city: things people do in time and space*, New York: Wiley.
- Choi E, Sardari Sayyar S (2012). Urban diversity and pedestrian behavior- refining the concept of land-use mix for walkability. 8th International Space Syntax Symposium, Eds. Margarita Greene, José Reyes and Andrea Castro, 8073:1-8073:15. Santiago de Chile: PUC.
- Crowhurst-Lennard S, Lennard H (1987). *Livable cities – people and places: social and design principals for the future of the city*, New York: Center for Urban Well-being.
- Crowhurst-Lennard S, Lennard H (1995). *Livable cities observed*. IMCL Council. Carmel, CA: Gondolier Press.
- Davidoff P (1973). Advocacy and pluralism in planning. *A Reader in Planning Theory*, edited by Andreas Faludi. Oxford: Pergamon. pp. 96-277.
- Duany A, Plater-Zyberk E, Speck J (2000). *Suburban nation: the rise of sprawl and the decline of the American dream*. New York: Farrar, Straus and Giroux.
- Engwicht D (1999). *Street reclaiming: creating liveable streets and vibrant communities*. Sydney: Pluto Press.
- Fainstein S (2014). The just city. *International Journal of Urban Sciences*, Vol. 18, No. 1, pp. 1-18.
- Frank L, Engelke PO, Schmid TL (2003). *Health and community design: the impact of the built environment on physical activity*, Washington, DC: Island Press.
- Francis M (1987). The making of democratic streets. In A.V. Moudon (ed.), *Public streets for public use*. New York: Columbia University Press.
- Grauer Oscar (2002). *Democracy and the City; My City, Your City, One City*. ReVista (David Rockefeller Center for Latin American Studies, Harvard University), Cambridge, MA: USA, pp:16-20, 16 set.
- Griffin TL, Cohen A, Maddox D (2015). The just city essays: 26 vision for urban equity, inclusion and opportunity. Volume 1 of The Just City Essays Series. Independent Publisher. Available at: <https://www.thenatureofcities.com/the-just-city-essays>
- Habermas J (1989). *The structural transformation of the public sphere: an inquiry into a category of Bourgeois society*. Translated by Thomas Burger and Frederick Lawrence, Cambridge, MA: MIT Press.
- Hall ET (1966). *Hidden dimension*. Garden City, N.Y: Doubleday.
- Hamdi N (2004). *Small change: about the art of practice and the limits of planning in cities*, London: Earthscan.
- Hamdi N (2010). *The placemaker's guide to building community*. London: Earthscan.
- Haughton G, Hunter C (1994). *Sustainable cities*. London: J. Kingsley Publishers.
- Healey P (2008). Civic Engagement, Spatial Planning and Democracy as a Way of Life. *Planning Theory & Practice*, Vol. 9, No. 3, pp. 379–382.
- Hiebert RE (2005). Cometary: new technologies, public relations, and democracy, *Public Relation Review*, Vol. 31, pp. 1-9. Doi: 10.1016/j.pubrev.2004.11.001
- Jacobs J (1961). *The death and life of great American cities*. New York: Random House, Inc.

- Kaplan S (2000). Human nature and environmentally responsible behavior, *Journal of Social Issues*, Vol. 56, No. 3, pp. 45-62.
- King LA (2004). Democracy and city life, *Journal of Politics, Philosophy & Economics*, Vol. 3, No. 1, pp. 97-124. Doi: 10.1177/1470594X04039984
- Lang J (1974). *Designing for human behavior: architecture and the behavioral sciences*. Dowden, Hutchinson & Ross.
- Lang J, Moleski W (2010). *Functionalism revisited: architectural theory and practice and the behavioral sciences*, England: Ashgate Publishing, Ltd.
- Langdon P (1997). *A better place to live: reshaping the American suburb*, Amherst, MA: University of Massachusetts Press.
- Lefebvre H (1991). *The production of space* (Translated by Donald Nicholson-Smith), Oxford: Blackwell Publishers Ltd.
- Lefebvre H (1996). *Writings on cities* (Translated and Edited by E. Kofman and E. Lebas), Oxford: Blackwell Publishers Ltd.
- Lefebvre H (2002). *Critique of everyday life; foundations for a sociology of the everyday* (Translated by John Moore), London: Verso, Vol.2.
- Lofland L (1998). *The public realm: exploring the city's quintessential social territory*, New York: Aldine De Gruyter.
- Madanipour A (1996). *Design of urban space: an inquiry into a socio-spatial process*, The University of Michigan: Wiley.
- Madanipour A (1999). Why are the design and development of public spaces significant for cities? *Environment and Planning B: Urban Analytics and City Science*, Vol. 26, No. 6, pp. 879-891. Doi: 10.1068/b260879.
- Madanipour A (2003). *Public and private spaces of the city*, London and New York: Routledge.
- Maghsoodi Tilaki MJ, Azizi B, Aldrin A, Hedayati Marzbali M (2014). Improving the preparation of Iranian urban development plans: lessons learned from other experiences, *Modern Applied Science: published by Canadian Center of Science and Education*, Vol. 8, No. 4, pp. 144-157.
- Magee B (2005). *The story of philosophy*. New York: DK Publishing, Inc.
- Mäntysalo R (2004). *Approaches to participation in urban planning theories*, Workshop in Florence.
- Mehta V (2006). *Lively street, exploring the relationship between built environment and social behavior*. Ph.D thesis, University of Maryland.
- Mitchell D (2003). *The right to the city: social justice and the fight for public space*. New York: Guildford.
- Nielsen Tom (2013). *Democratic Urban Spaces in the Nordic Countries*. Working papers from AU IDEAS Pilot Centre: The Democratic Public Sphere- Challenges and Developmental Perspectives, No.4.
- Oldenburg R (1999). *The great good place: cafes, coffee shops, bookstores, bars, hair salons and other hangouts at the heart of a community*, New York: Marlowe & Company.
- Purcell M (2002). Excavating Lefebvre: the right to the city and its urban politics of the inhabitant, *GeoJournal*, Vol. 58, Nos. 2-3, pp. 99-108. Doi: 10.1023/B:GEJO.0000010829.62237.8f.
- Purcell M (2003). Citizenship and the right to the global city: reimagining the capitalist world order. *International Journal of Urban and Regional Research*, Vol. 27, No. 3, pp. 564-590. Doi: 10.1111/1468-2427.00467.
- Purcell M. (2016). For democracy: planning and publics without the state. *Planning Theory*, Vol. 15, No. 4, pp. 386-401. Doi: 10.1177/1473095215620827
- Rapoport A (1977). *Human aspects of urban form: towards a man-environment approach to urban form and design*, Oxford, United Kingdom: Pergamon.
- Ramoneda Josep (2003). A philosophical idea of the city. Conference lectured at Yale University, 23 March. https://ddd.uab.cat/pub/disturbis_a2011n10/disturbis_a2011n10a4/7-una-idea-filosofica-de-ciutat.
- Rowe C, Koetter F (1978). *Collage city*. Cambridge: MIT.
- Sanoff H (2007). Community based design learning: democracy and collective decision making. In *Design studio pedagogy: Horizons for the future*. Edited by Ashraf M. Salama, and Nicholas Wilkinson. Gateshead, UK: Urban International Press. pp: 21-38.
- Sanoff H (2008). Multiple views of participatory design, *International Journal of Architectural Research*, Vol. 2, No. 1, pp. 57-69. Doi: 10.26687/archnet-ijar.v2i1.177
- Sanoff H (2010). *Democratic design: participation case studies in urban and small town environments*, Saarbrücken, Germany: Verlag-Muller.
- Sassen S (2011). The global street: making the political. *Globalizations*, Vol. 8, No. 5, pp. 573-579. Doi: 10.1080/14747731.2011.622458
- Sennett R (1998). *The spaces of democracy*, Raoul Wallenberg lectures, Ann Arbor, Michigan, USA: University of Michigan Press.
- Short JR (1989). *The humane city*. Oxford: Basil Blackwell.
- Söderholm D (2008). *The commercial structure of pedestrian streets and shopping districts: three cases from Finland*. Master's Thesis in Planning Geography, University of Helsinki, Department of Geography, Finland.
- Soja EW (1996). *Thirdspace: journeys to Los Angeles and other real-and-imagined places*. Cambridge, Mass: Blackwell.
- Soja EW (2010). *Seeking spatial justice*. Minneapolis, MN: University of Minnesota Press.

- Soomer R (1969). Personal space: the behavioral basis of design. Prentice Hall Direct.
- Southworth M, Ben-Joseph E (1997). Streets and the shaping of towns and cities. New York: McGraw-Hill.
- Tiwari S (2017). The democratic street. Journal of Comparative Urban Law and Policy, Vol. 1, No. 1, pp. 202-2011.
- Vernez-Moudon A.(1991). Public streets for public use. New York: Columbia University Press.
- Wates N (2000). The community planning handbook; how people can shape their cities, towns and villages in any part of the world, London: Earthscan.
- Wates N (2008). The community planning event manual; how to use collaborative planning and urban design events to improve your environment, London: Earthscan.
- Winkel GH, Sasanoff R (1966). An approach to an objective analysis of behavior in architectural space. University of Washington: Seattle.
- Wirth L (1938). Urbanism as a way of life, American Journal of Sociology, Vol. 44, No. 1, pp. 1-24.
- Whyte WH (1980). The social life of small urban spaces, Washington, D.C.: The Conservation Foundation.
- Whyte WH (1988). City: rediscovering the center, New York: Doubleday.



An Inquiry Concerning the Principles of Behavioral and Democratic Urban Spaces; Integrating the Theories

Mani Sattarзад Fathi¹, Majid Zarei²(Corresponding Author), Rahim Hashempour³

¹M.Sc. in Urban Design, Faculty of Architecture and Urban Development, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran (m.sattarзад@edu.ikiu.ac.ir)

²Associate Professor, Faculty of Architecture and Urban Development, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran (m.zarei@arc.ikiu.ac.ir)

³Associate Professor, Faculty of Architecture and Urban Development, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran (hashempour@arc.ikiu.ac.ir)

Received
22/09/2018

Revised
03/02/2019

Accepted
19/05/2019

Available Online
19/02/2020

Introduction and problem statement: Behavioral design of urban spaces should be considered as a democratic and human value in nowadays urban developments, in order to meet various human behaviors in a non-deterministic, impartial, and disinterested fashion. However, the inattention to democratic and behavioral values provides an intolerable problem in the process of urban design in Iran, ignoring the importance of multiple qualities and realities (social, cultural, political, economic, environmental, and even technological) of existing urban spaces. The deterministic urban projects, which is partly derived from limited and exclusionary capitalism, and also the deterrent traditional urban attitudes and personal interests in our country, literally jeopardize our urban spaces and cause them to lose their "Public and Civic" character and essence. The urban environment, therefore, no longer accommodates a wide range of users, as well as the interactions and varied democratic behaviors associated with them, and thus the concept of "Freedom in Action and Behavior" is sorely neglected more than ever. As a result of these shortcomings, people have no incentives to take active roles in urban spaces and just do some mere necessities on the basis of this deterministic context, and, therefore, the correlation between human and city is fractured left and right. This problematical complicated situation leads to the emersion of degraded spaces with underdeveloped behavioral values and undemocratic contents. Thus, the shape and content of many of our cities (of course if we can call them cities because of the lack of articulation between "urbs" and "civitas") are transformed into the collections of mere populations, substandard spaces, and dense soulless buildings. How beautiful Barati says "the cities of our country have become Noncity, which leads to social despair". These statements actually shed a light on the fact that our current cities have lost their spatial, local, and humanistic features and thus people are mutually forced to reiterate repetitive and populist behaviors. We should be aware of what is turn to a really important matter today, that the less we honor open and democratic urban societies and behavior-based spaces, the more we will face with disinterested and passive urban users.

Purpose: This study seeks to find a rational responsive framework by scrutinizing the behavioral and democratic urban theories, an anti-elitism and anti-totalitarianism framework that might comprise absent characteristics and criteria of our urbanism and can crystalize some effective solutions in the process of democratic design of behavioral urban spaces for removing the widespread deep-rooted urban dilemma, which we are facing with.

Research hypothesis: the actualization of behavioral-based and democratic realities of our urban spaces (which can be called the process of democratic design of behavioral urban spaces) can lead to more people-friendly and efficient urban structures.

Research method: This study is conducted through content analysis and comparative methods. The analyses and descriptions are also followed by a non-interventionist approach that solely tries to systematically highlight the scattered patterns and points throughout a set of texts. The required information is also collected through the structured study of related theoretical documents.

Findings and conclusion: This study partly discovers that the urban design practices should not be seen as a lever to “Radical Exercise of Power”, but as a tool for achieving “Humanistic Participatory Development”. Accordingly, there are two important issues here: “Behavioral Freedom” and “Democracy”, which have to be perceived with big “B and F” and “D”, on a grand scale, in their purest nature and most fundamental and impressive forms. In this study, therefore, an attempt is made to collect the required characteristics of behavioral urban spaces, and to extract the general criteria for democratic urban design within two environmental (i.e. responsive qualities) and social (i.e. the right to the city and public participation) dimensions, to exactly integrate them, and subsequently attain the process of democratic design of behavioral urban spaces. The realization of this process may turn our urban environments to a suitable context for the manifestation of a wide range of “Voluntary and Social” activities, vis-à-vis the “compulsory” ones. Thereby, the urban spaces will be democratically formed based on behavioral and social values; in fact, people will absolutely utilize the practical freedom to make their places more democratic based on their needs, the kind of places that can bring “Multiplicity” and “Throwntogetherness” into action.

Key words:

Urban spaces, Non-deterministic behaviors, Democracy, People-oriented design, Qualitative criteria.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Journal of Iranian Architecture & Urbanism. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License.

(<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:

ستارزاد فتحی، مانی؛ زارعی، مجید و هاشم پور، رحیم. (۱۳۹۸). تحقیق درباره مبادی فضاهای شهری رفتارگرا و دموکراتیک؛ یکپارچه سازی نظریات. نشریه علمی معماری و شهرسازی ایران، ۱۰(۱۸)، ۶۱ - ۸۴.

DOI: 10.30475/ISAU.2020.103678

URL: http://www.isau.ir/article_103678.html

